

سرمقاله

شهای بنی صدر برای استقرار "حاکمیت دولت" و "سخت گرفت، خرده بورژوازی حاکم در شرایطی غیرعادی و عجولانه مجلس را رسمیت داد. و شورای انقلاب را در قوای سه گانه حل نمود تا از سنگرهای جدید خود، بر علیه بورژوازی که در بنی صدر مبارزه خود را ادامه میداد، قدرت خود را بسط دهد.

من هم "...، موقعی که مسئله عینیت میباید با زهم جناح خرده بورژوازی حاکم یک قدم دیگر جلو می آید تا چاراست مقاومت کند: تا دوسه ماه دیگر شاید هیچکس وجود نداشته باشد!

پراکندگی اوضاع بوروکراسی، بی نظمی همه جانبه در اقتصاد کشور از هم گسیختگی آشکار منابع مالی، و مثلاً خارج بودن بنیاد مستضعفین این مرکز بزرگ اقتصادی با بیش از

اتحاد هیات حاکمه در سرکوب انقلاب و به خاک و خون کشیدن جنبش انقلابی نمیتواند مانع از بروز چنین تضادهایی گردد. زیرا چنین تضادهایی نه به تنهایی ناشی از شرایط بحرانی جامعه بلکه همچنین ناشی از حاکمیت بلوکی، یعنی حاکمیتی است که ترکیب طبقاتی اش در اساس بر مبنای سازش و در نتیجه تضادهای معینی شکل گرفته است و ناگزیر حامل چنین تضادهای و اختلافاتی در درون خود می باشد.

دهها شرکت و واحد صنعتی بزرگ از دست بورژوازی، هزاران نمونه دیگر از عدم تمرکز، خود مختاری محلی، که اصولاً وجود یک حکومت به معنای واقعی کلمه را زیر سؤال قرار میدهد بنی صدر را به آن سمت سوق میدهد که ارکان های قدرت را در دست خود بگیرد: ارتش، وزارت کشور، اینست آنچه که در پیشنهاد بنی صدر به راجایی باید دید. بورژوازی پیوسته تلاش میکند تا شین دولتی را در دست بگیرد و سازماندهی کند. بورژوازی دقیقاً همین ماشین را از کار کرد منظم و سیستماتیک باز داشته است، و به پراکندگی هلاکت باری دچار ساخته است.

طرح کابینه مجلس (یا همان راجایی) پیشنهاد خرده بورژوازیسی تمام عیار است. تمام وزارتخانه ها بدست عناصر حزب جمهوری اسلامی و مومنین می افتد. کنترل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه بدست چنین افراد، سوبه دیگر سیاست بورژوازی را ضعیف میکند: "امینت و اقتصاد" اگر ارتش و وزارت کشور امنیت را به رئیس جمهور سپرد و بور-

از نوروز ۵۹ بدین سو بویژه ما شاهد جدال جناح های حکومت به طسرق مختلف جهت بسط قدرت خویش بوده ایم. مبارزه ای که با موفقیت و عدم موفقیت یک طرف تا مرحله بعدی پایان گرفته است. تعیین نخست وزیر، بصورتی که دیدیم، در واقع آنطور که بعد خود بنی صدر نیز اقرار میکند، تحمیل مجلس به رئیس جمهور است. رئیس جمهور میگوید که با نخست وزیر، راجایی، موافق نیست و حتی با وزارت او نیز موافق نبود. اما در این شرایط ترجیح میدهد که سکوت کند و بگذارد اوضاع، حقانیت او را اثبات نماید. اما رئیس جمهور بخوبی میداند که اوضاع ممکن است حقانیت توده ها را به جای حقانیت او اثبات کند و از این لحاظ است که مینویسد "شاید تا دو سه ماه دیگر هیچ کدام از ما وجود نداشته باشیم." پس در برابر چنین خطری نمیتوان مدتی ساکت نشست. رئیس جمهور که سیاستمدارانه راجایی را به نخست وزیری میپذیرد و آنگونه او را به مجلس معرفی میکند: "از آنجا که مجلس رای اعتماد دبه اوداده و امام او را تأیید کرده پس

ژوازی میتواند از این بااست اظهارشادی کند، اما اقتصاد در و بسه ویرانی و بحران فلاکت آور کنونی را به زیان بورژوازی در واقع، بقیه کابینه حفظ میکند. و در این مورد نمیتوان فقط به سیاست "بگذار زمان حقیقت را ثابت کند" متکی شد. خرده بورژوازی حاکم نه تنها از این لحاظ بلکه بواسطه داشتن دهها ارکان غیر رسمی، نیمه رسمی و رسمی دیگر که قوه نظامی محسوب میشوند، هنوز نیرویی مانع برنامه های بورژوازی است. و بدین ترتیب ناگهان بنی صدر با دمی آورد که: بالا باید بگویم که نسبت به بقیه وزرا هم نظردارم. مبادا که همه طرحهای آیت ها، و با طرحهای "مجاهدین انقلاب اسلامی" در مورد مقابله با اوضاع بحرانی که صراحتاً خواستار حکومت مشترک "پاسداران، کمیته ها، جهاد" شده است، ناگهان تحقق یابد! درست همان وقت که گمان میرفت اوضاع آرام شده، از زیر ظاهر رسمی انواع توافقیهای "برادرانه" و "اسلامی" از وراء همه، امثله و حکم "برای نشان دادن حقانیت خود، و از پشت دیوارهای سکوت درو- غین ناگهان تعفن نفرت انگیز منازعات درونی ضد انقلاب حاکم به بدترین شکلی خود را نمایان میکند، تا دوباره در زیر پیمانهای اخوت و "آرمانهای جهانی" که متعلق به قرون مرده و از یاد رفته اند، فرو بروند و از نو اینبار آلوده به هزاران "پستی" و "دناشت" نمایان گردند.

مضمون اصلی درگیریها

تاریخ این درگیریها، مضمون این درگیریهای تاریخی را بخوبی نشان میدهد. در بلوک حاکم چه کسی باید مسلط شود؟ کدام سیاست باید به پیش رود؟ راجایی برنامه اقتصادی - سیاسی خود را ارائه میدهد تا در برابر طرح داشمی بنی صدر: "امنیت و اقتصاد، طرح خویش را برای همین کار، یعنی پیشبرد امنیت و

سرمقاله

از خاکستر رفته است. درگیری های درون بلوک سیاسی حاکم آشکارا و پنهان، آرام و شدید ادامه خواهد یافت تا تکلیف این بلوک روشن گردد.

اتحادیهات حاکمه در سرکوب انقلاب و به خاک و خون کشیدن جنبش انقلابی نمیتواند مانع از بروز چنین تضادهایی گردد. زیرا چنین تضادهایی نه به تنهایی ناشی از شرایط بحرانی جامعه بلکه همچنین ناشی از حاکمیت بلوکسی، یعنی حاکمیتی است که ترکیب طبقاتی اش در اساس بر مبنای سازش و در نتیجه تضادهای معینی شکل گرفته است و ناگزیر حامل چنین تضادها و اختلافاتی در درون خود میباشد.

جنبش انقلابی تا آن زمان که کل حکومت را زیر سؤال نبرده است و تا آن زمان که میلیونها توده انقلابی بی در صحنه کارزار مبارزه طبقاتی به رود رویی با حکومت کشیده نشده اند، حتی میتواند منشاء اختلافات در درون حکومت نیز گردد. به این

بقیه در صفحه ۵

انداخت. بورژوازی حاکم پیرایه تحمل ضربه ای این چنین را از خرده بورژوازی ندارد که با رگنا هان آنرا نیز بدوش بکشد. و خرده بورژوازی حاکم ضمن آنکه خود را میخواهد مسلط کند، رئیس جمهور را نیز شریک گناهان خویش مینماید.

اقتصاد بگذارد. "فرزند مجلس" در نهایت "مظلومیت" این حزب خرده بورژوازیی که نه "حق با مظلومست"، نهی صدر را "پیمان شکن" مینامد و "مجلس" نامه بنی صدر را که در آن پیمان شکنی رئیس جمهور نسبت به قولهای که داده و جیز

اینکه خرده بورژوازی حاکم نمیتواند بنی صدر را بکار بزند، علاوه بر وضعیت وی در حاکمیت معلول است. او به آراء خود، یعنی باز کردن جادریان مردمی باشد. آنها نمیتوانند بنی صدر را بکار بزنند چون از تاکتیک خود آنان استفاده کرده است. خرده بورژوازی حاکم با بهره برداری از احساسات و تمایلات توده بورژوازیها را به عقب راند، اما آیا با این امید سرمایه داری، این امید تاریخی بورژوازی نیز همان گونه رفتار کند، در حالیکه خود او، بر شانه رای دهندگان سوار میشود و از مردم یاری میخواهد و موزرانه آنان را پشتیبان خویش می نامد؟

اینکه خرده بورژوازی حاکم نمیتواند بنی صدر را بکار بزند، علاوه بر وضعیت وی در حاکمیت معلول است. او به آراء خود، یعنی باز کردن جادریان مردمی باشد. آنها نمیتوانند بنی صدر را بکار بزنند چون از تاکتیک خود آنان استفاده کرده است. خرده بورژوازی حاکم با بهره برداری از احساسات و تمایلات توده بورژوازیها را به عقب راند، اما آیا میتواند بنی این امید سرمایه داری این امید تاریخی بورژوازی نیز همان گونه رفتار کند، در حالیکه خود او، بر شانه رای دهندگان سوار میشود و از مردم یاری میخواهد و موزرانه آنان را پشتیبان خویش مینماید؟

چنین ترکیبی از قوا، و چنین وضعیتی از بحران، بخوبی نشان میدهد که حتی اگر سازش موقت از جانب بورژوازی حاکم و بنی صدر صورت بپذیرد، و بنی صدر تا کتیک "من سکوت خواهم کرد" را در پیش بگیرد، آتش تنها بزیلایه نا زکی

هایی که خواسته عریان گردیده، قرائت میکنند تا انزجار "همه را نسبت به این مرد بد طبیعت" برانگیزد. خرده بورژوازی حاکم حاضر نیست از مواضع خود عقب بنشیند و بورژوازی نیز نمیتواند مقدرات خود را به آسانی بدست کسانی بسپارد که جامعه را هر چه بیشتر بسوی بحران میرانند. بنی صدر از سویی میدانده که اگر قدرت فاش شود و همه جانبه برای مدتی بدست خرده بورژوازی حاکم بیفتد، وضعی بحرانی که در جامعه وجود دارد، توده ها را بر علیه خود برخواهد انگیزد و ناتوانی خرده بورژوازی در غلبه بر بحران کنونی و فرو نشاندن مبارزات توده ها آشکارتر خواهد شد. اما این راه میدانده که تا آنوقت نمیتوان فقط منتظر فرصت نشست، و ساعت شماری نمود. بنی صدر از امام میخواهد تا دستوری جهت کا بینه بدهد. و یا مجلس مراحتنا مسئولیت کا بینه را خود بعهده بگیرد تا وضعیت او، بی مدتها قی بماند؛ همه گناهان را بگردن آنها بیا



رفقا و هواداران!

روزندگان

را بخوانید و

در تکثیر و پخش

آن بکوشید!

بورژوازی

يك سال و نیم پس از قیام

است و مسئله گزوها تاکنون بنحو مطلوب بورژوازی حاکم حل نشده است. اما آنها، و در پیشاپیش منافع سرمایه داران بنی مدرهمنان به مبارزه جهت تسلط در قدرت سیاسی ادامه میدهند. بنی مدرهمنان تلاش خواهند نمود تا ارتش، وزارت کشور و بوروکراسی را نیز بر سر تسلط درآورند و به خدمت کامل بورژوازی بگمارد.

بورژوازی حاکم که به خطر "توده ها"، خطر "سپیل"، بنیای نکلن کارگران و زحمتکشان و اقصای شده و در کار بوس آن بر میبرد نتوانسته آن اوضاع

کمیت سیاسی وضعیت خود را سوسا مان میدهند و از فروپاشی توهمات توده ها نسبت به خرده بورژوازی حاکم بسود خود بهره میبرند. امروز نیز بورژوازی چشم خود را به بنی مدرهمنان بسته است. امروز نیز آنها منتظر نشوشت بنی مدر بطور قطعی در حاکمیت و به عنوان ریاست جمهوری روشن شوند تا بدانند سیر بعدی چه خواهد بود. اما علی رغم همه این حقیقت، آنها، امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب قوای خود در خارج از حاکمیت را برای آنچنان شرایطی، زیرا برای انواع توطئه ها و دسایس

امروز نیز بورژوازی چشم خود را به بنی مدرهمنان بسته است. امروز نیز آنها منتظر نشوشت بنی مدر بطور قطعی در حاکمیت و به عنوان ریاست جمهوری روشن شوند تا بدانند سیر بعدی چه خواهد بود. اما علی رغم همه این حقیقت، آنها، امپریالیسم و ضد انقلاب مغلوب قوای خود در خارج از حاکمیت را برای آنچنان شرایطی، زیرا برای انواع توطئه ها و دسایس برای هر چه قویتر کردن بورژوازی و تسلط بر قدرت سیاسی و...، بسیج می کنند.

برای هر چه قوی تر کردن بورژوازی و تسلط بر قدرت سیاسی و...، بسیج می کنند.

ندیدن این واقعیات آشکارا پذیر برای کسی که میخواهد در مبارزه، طبقاتی از موضع پرولتری شرکت نماید و برای کسی که میخواهد این موازنه نیروها را تغییر دهد جدأ خطر بسیار دارد. بازه ای بنی صدر را جزئی از کاست (حاشیه) کاست (ارزیابی میکنند و عا مدأ به ما هیت طبقه تی-تاریخی او

مطلوبی را که لازمست تا با زبانی همه جا نبه، نظم موجود صورت گیرد و سرمایه به عالی ترین حرکت خود را، سود خود را داشته باشد، فراهم آورد. اگر در دوران اشغال سفارت فقط نهضت آزادی انشاء گردید، این بار با غلب احزاب بورژوازی از حزب ملت ایران تا جبهه ملی ایران مورد حمله واقع میشوند. نماینده بورژوازی در انتخابات رئیس جمهوری-مدنی با عضویت در مجلس محروم گردید و مرد تنقید و بی گرو واقعه شد. او به همراه قشقایسی و چند تن دیگر از عناصر فعال جبهه ملی مستقیماً به ضد انقلاب مغلوب پیوستند، او صلا بیش از این بسیاری عناصر خود جبهه ملی نیز از گونه که معلوم شده است در جریان توطئه های ضد انقلاب مغلوب قرار داشته اند. ضد انقلاب مغلوب با دقت تر جناح بورژوازی انحصاری و مزدوران امپریالیسم در خارج از حکومت اینک امید خود را بصورت سابق به حکومت و جناح بورژوازی آن ندارند. ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم امید بسیاری به ما نورها و عملکردهای بنی صدر داشته اما هر چه جلواتنده ایم اثر بلافاصله اقدامات بنی صدر و کلا بورژوازی حاکم معلوم نبود، و وضعیت آن هر روز مبهم تر شده است.

امپریالیسم متحد طبیعی خود را طبقه بورژوازی می بیند، و بورژوازی در حاکمیت موقعیت سیاسی مستحکمی ندارد. چنین است که دوران توطئه های طمس و ارتش و... فراهم می رسد. اگر چه این توطئه ها در موقعیتی صورت گرفته که به بورژوازی حاکم لطمه زده است اما بهر حال موازات این امر، ضد انقلاب مغلوب و بورژوازی بطور کلی در خارج از حاکمیت

وابسته است، که باعث بحران میگردد. اما این حرف به مثابه آنست که ما نام بورژوازی ملی با چیزی شبیه آن را تغییر داده ایم و به نام جدیدی دوباره آنرا در عا مل بررسی خود وارد کنیم. در هر حال عدم درک صحیح این مطلب در مبارزه، طبقه تی و هدا یث آن تا شبرنا مطلوب خواهد داشت و اولین تاثیر آن این خواهد بود که ما هیت طبقه تی هیت حاکمه و در نتیجه دشمنان انقلاب بدرستی شناخته شوند.

نتیجه آنچه که گفتیم چیزی نیست مگر آنکه بطور کلی در طی یکسال و نیم پس از قیام، چه در دولت موقت که امروز خواستار حاکمیت شده اند، چه در دوران دولت شورای انقلاب و چه پس از بقدرت رسیدن بنی مدر، طبقه بورژوازی ایران در حاکمیت صدمات چند را بخود دیده است و موضع آن در اپوزیسیون ضد انقلاب مغلوب تقویت شده، اما در حاکمیت با فرازونشیب در مجموع ضرباتی خورده است و نتوانسته است اوضاع مساعد خود را ایجاد کند. کسانی که با بی توجهی کامل به این وضعیت فریاد میزنند بورژوازی لیبرالها قدرت واقعی را در دنیا اختلافات درون حکومت را نه بورژوازی بلکه بین دو جناح از بورژوازی ارزیابی میکنند، کسانی که معتقدند بورژوازی انحصاری در حاکمیت حضور مستقیم و مستقل دارد و خود را در پشت عیای کاست و یا زیر دامن بورژوازی لیبرالها پنهان کرده است، نمیتوانند بدون توجه به سیر واقعیات، بر این حقیقت پورده بیفکنند که از قیام بدینسو و بویژه پس از عدم موفقیت کامل بنی مدر، بورژوازی در حاکمیت تضعیف شده و موقعیت خود را حتی نسبت به آنچه در دولت موقت داشت، از دست داده است. البته چنین شرایطی نمیتواند مداوم وجود داشته باشد. و حاکمیت کنونی نمیتواند مدت

پاره ای می گویند: این جناح بورژوازی تجاری و یا... است. پاره ای می گویند: جناح بورژوازی متوسط غیر وابسته یا غیر مستقیم وابسته است که باعث بحران می گردد. اما این حرف به مثابه آنست که ما نام بورژوازی ملی یا چیزی شبیه آن را تغییر داده ایم و به نام جدیدی دوباره آنرا در عا مل بررسی خود وارد کنیم.

زیادی در این وضعیت باقی بماند. اما موضوع مهم اینست که در با هم بورژوازی چه وضعیتی دارد و چرا امپریالیسم ضمن اتکاء به بورژوازی حاکم نیروهای خود را در خارج از حاکمیت تقویت میکند و دورانی از توطئه، اغتشاش و دسیسه و غیره را در برابر ما می گشاید.



مبارزه طبقه تی در طی یکسال و نیم گذشته نقش مهمی در تغییرات موازنه نیروها در قبال بورژوازی داشته است. کارگران، توده های وسیع دهقانان و زحمتکشان ایران با مقاومت

سرپوش می گذارند. پاره ای هیات حاکمه را کلاً بورژوازی ارزیابی میکنند و نمیتوانند به ما توضیح دهند، در شرایط ما یعنی شرایطی که بورژوازی ملی دیگر وجود ندارد، چگونه امپریالیسم و بورژوازی انحصاری وابسته (ضد انقلاب مغلوب) با این حاکمیت و یا دقت تر با جناح خرده بورژوازی آن، در افتاده اند و لا اقل همه، بحران یک سال و نیم اخیر، همه، درگیریها، همه، راننده دشمنای عناصر بورژوازی حاکم به ضد انقلاب مغلوب چه معنی دارد؟

پاره ای می گویند: این جناح بورژوازی تجاری و یا... است. پاره ای می گویند: جناح بورژوازی متوسط غیر وابسته یا غیر مستقیم

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

بقیه از صفحه ۳

سرمقاله

معنی که تضادهای درون آنها را تشدید کند.

اما جنبش انقلابی هدف خود را دارد. هر شرایط پیچیده ای میتواند از طرف انقلابیون به مثابه تخته تیرشی در جنبش انقلابی مورد بهره برداری قرار گیرد. تعداد و بحران اجتماعی کنونی و فلاکت توده مردم و ابداً دعظیم ناراضی های از یکطرف و توطئه چینی و دسیسه های ضد انقلاب منسوب از طرف دیگر، اینهاست "بیمها و ترس های" رئیس جمهور که در موقعیت خود بخوبی امکان توسعه فعالیت انقلابیون و گسترش پیروزمندان جنبش انقلابی را بر علیه هیات حاکمه میبندد.

امپریالیسم و ضد انقلاب منسوب چنان خود را به وضعیت بنی صدر دوخته اند، از نظر آنها تشبیه و یا تضعیف بنی صدر به عنوان مدافع بورژوازی در موازنه نیروها تاثیر

اساسی دارد. آنها منتظرند تا در میان دعوی کنونی فاتح مشخص گردد و آنگاه بطور همه جانبه فعالیت های خود را تشدید کنند. اگر چه وضعیت بورژوازی حاکم امید آنها را کاهش داده و موجب تقویت بیشتر نیروها - نشان در خارج از حاکمیت گردیده، لیکن قطع کامل این امید و آغاز وسیع فعالیت برای اعاده وضعیت مطلوب خود به جا معه میتواند با کاهش

مشاجرات شوند، درحالی که باید درستی از آن بهره برداری کنند، باید توده ها، یعنی نیروی محرک - تکامل و مبارزه انقلابی را هر چه بیشتر حول مسایل اصلی انقلاب متمرکز کنند.

کارگران و زحمتکشانی که هر روز بیشتر خانه خراب میشوند و به فقر بیشتر اندامه میگردند، باید بدنبال به سر نوشت خود آگاهی یا بندوباید

ضد انقلاب منسوب را با بدوسیسه در پیشگاه مردم افشاء نمود و راه را در اوضاعی که هر آن پیچیده تر میگردد و هر آن بیشتر به ابتکار روستاها و انقلابی نیار منداست، باز نمود، اینست آن نکته ای که غفلت از آن به معنای ندیدن جریان انقلابی میباشد، که هم اکنون مدتهاست در گشت و گذار است، جریانی که امواج سرکش آن پیوسته بر دیوار فرسوده بلوک حاکم میکوبد و ترا بوضوح در جلوه های مختلف مبارزات توده ها از قبیل مبارزه مسلحانه خلق کرد، اعتصابات کارگران و تحصن ها و گروگان گیری مقامات حکومتی بوسیله زحمتکش و دیگری توده ها با پاسداران در دفاع از آزادی و... مظاهر میکنیم.

کمونیستها با دیدن تمام نمیر و به سازماندهی، هدایت و ارتقاء این مبارزات بر علیه مجموعه بلوک حاکم بر علیه سرکوب همه جا تشبیه آن پرداخته، و همچنین توده ها را در برابر خطر جدی ضد انقلاب منسوب و توطئه های بورژوازی و امپریا - لیسم آگاه و مهیا سازند.

انتظار آنکه در یک بلوک سیاسی، آنهم بلوک با مشخصات کشور ما اوضاع حاکمیت با ارزش نسبی همراه باشد و اینکه هزار چندگانه ای یک بحران شدید حکومت را در برگیرند، انتظار پیهود مای است. تا این بلوک وجود دارد، و تازمانی که بتوان آنرا بلوک گفت چنین انتظاری رانیز باید داشت.

برای بنای دنیایی نو، در هر شرایط تجهیز گردند. مردم باید بداند که مشاجره میان رجایی ها و بنی صدرها، مشاجره میان دوستان و دشمنان آنها نیست بلکه میان دشمنان آنها - ست و از این توطئه های لیبرال مآب - نه بنی صدرها را در جمع کردن "مردم" بدور خود یا بدخشی نمود.

قدرت بنی صدر همراه باشد. در حال از نظر کمونیستها و سایر نیروهای انقلابی دیگر باید مسئله به حد کافی روشن باشد. مشاجرات درون حکومت نه بر اساس منافع خلق ایران که بر اساس تلاشهای جناحهای ضد انقلاب حاکم در تسلط بر یکدیگر و اداره بیشتر امور است. انقلابیون بدون آنکه غرق در این

بورژوازی یکسال ونیم

توهمات لیبرالی نمیتواند مدت چندانی دوام داشته باشد و هرگاه کمونیستها بطور متمرکز، جدی و فعالانه این توهمات و نقش بورژوازی را در جا - معه ما بشکافند، نمیتوانند آن آگاهی لازم و وسیع را برای ادامه انقلاب بنمایان توده ها بپرسند و آنان را آگاهانه متشکل سازند.



بورژوازی از این پس، در حکومت و خارج از حکومت تلاش خود را میکنند. آنها باید موجودیت خود را با پشتیبانی امپریالیسم حفظ نمایند، و بنی صدری بنیاد اندک مبارزه طبقاتی جاری هر روز بیشتر توده ها را در مقابل آنان قرار میدهد. و این بانگ تاریخ را، این شیخ هول انگیز انقلاب را از هم اکنون احساس میکنند که میگوید: "با شما دیگر کاری نیست!"

توضیح و پوزش

در شماره قبل، مقاله بورژوازی یکسال و نیم پس از قیام در صفحه ۱۵ ستون سوم سطر ۲۹ خطیانی وجود دارد که بصورت زیر اصلاح شود: غلط: "سیاسی دست نیافته اند و اکنون در موضع ضد انقلاب..." درست: "سیاسی دست نیافته اند و اکنون در موضع ضد انقلاب..."

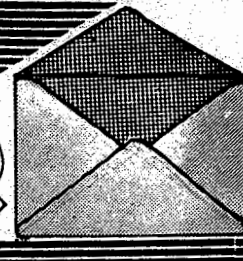
ده بورژوازی حاکم، خواسته های توده ها و رشید ناراضی توده ها نیز در تحریک خرده بورژوازی حاکم بر علیه بورژوازی تا شيرداشته است. لیکن، همین خرده بورژوازی به عنوان یک سرکوبگر خلق، اعمالش بسود بورژوازی نیز درآمده و روز به روز توده های وسیعتری را در برابر حاکمیت ضد خلقی قرار داده است.

از لحاظ آگاهی سبلی توده های مردم از سرمایه داران به مفهوم عمومی کلمه بیزارند آنها سرگردانی، فقر، و شباهی زندگی خود را محصول وجود آنان میدانند و اگر چه هنوز کمونیستها نتوانسته اند آگاهی سوسیال دموکراتیک وسیع به میسنان طبقه کارگر و سایر اقشار مردم ببرند، کارگران و زحمتکشانی تا آن حد که بد رستی سرمایه داران را می شناسند و با آن ها درگیرند، حاضر نیستند تن به شرایط سخت و وضعی که آنها میخواهند ایجاد کنند، و حتی تن به حضور آنها در کارخانه ها بدهند، اما سرمایه داران و محافظان سرمایه هزار چهره دارند، و بنی صدر هنوز در ذهن توده های مردم به عنوان مدافع سرمایه داران شناخته نمیشود. اما در مجموع و بطور کلی سرمایه داران در ذهن توده مردم به دشمنان حقیقی شان تحول یافته اند؛ این نیست آن نکته ای که یکسال و نیم پس از قیام میتوان از لحاظ آگاهی توده ها، از آن یاد کرد. رشید

در مقابل بازگشت بورژوازی بطور همه جانبه و راه اندازی نظم سابق، با توسعه مبارزه خویش در برابر هیات حاکمه، و از آنجا که خواست های باز هم جدید به جنبش انقلابی نقش قاطعی در تغییر این موازنه داشته اند، کارگران و زحمتکشانی ایران در طی یکسال و نیم پس از قیام به سخت ترین مبارزات برای بهبود شرایط زندگی خود و حضور رنجین سر نوشت خویش در جامعه دست زده اند. چه آن تقاضای "آباده" کارگران شرکت نفت که خواهان شرکت نمائنده خود در شورای انقلاب بودند تا مبارزات دلاورانه خلقهای ایران در ترکمن صحرا، کردستان و... همگی به معنی واقعی کلمه جلوه گل شدن بحران اجتماعی کنونی بسود بورژوازی را گرفته اند. اگر چه بورژوازی در طی این مدت با بهره برداری از ناراضی توده های مزد م تلاش کرده است فضای لیبرالی ایجاد نماید و اقدامات خرده بورژوازی حاکم نیز به این کار کمک کرده، لیکن بطور قاطع میتوان گفت که نقش کمونیستها و نیروهای انقلابی اگر نه با سرعت ولی به موازات این تغییرات، بالا رفته است. آنچنین از هر چیز امپریالیسم را به هراس و امید و دهمین است، اوضاع هر روز به نحوی تغییر میکند، که نیروهای انقلابی و کمونیست و دمکرات وزن سنگین تری در جنبش میابند، فضا رتوده ها بر خـ

مرگ بر امپریالیسم آمریکایی و ارتجاع داخلی!

پاسخ به نامه ها



در چند هفته اخیر نامه های فراوانی به دست رسیده است که حاکی از دقت و علاقه خوانندگان به نشریه چه از لحاظ محتوا و چه از لحاظ فرم میباشد. نکات بسیاری از این نامه ها در ادامه کار نشریه در نظر گرفته میشود و پاسخ بلافاصله به آنها بهیچ وجه نشانه عدم توجه به مفاد نامه ها نیست. در میان نامه ها سئوالها و انتقادات مشخص نسبت به مباحث تئوریک وجود دارد که برخی از این سئوالات و انتقادات جنبه عمومی داشته و بنا بر اهمیت موضوع میبایست مشخصا پاسخ داده شوند. بنا بر این ملاحظه میشود که پاسخ به نامه ها بطور کلی منحصر به این پاسخ های مشخص نیست. بسیاری از مطالبی که در نامه ها مطرح و سئوال میشود در مقالات نشریه که با توجه به نیازهای تئوریک و جنبش پرشده تحریر می آیند، در واقع بطور غیر مستقیم پاسخ داده میشوند.

اهمیت نامه ها که با راه از سوی ما مورد تاکید قرار گرفته است درست در اینجاست که بعنوان یک انعکاس در ذهن جاس ترین خوانندگان تاثير فراوانی بر کیفیت کار نشریه میگذارد. ما بدین وسیله از تمام رفقای که برای ما نامه مینویسند تشکر میکنیم و با زحمات آنها و تمام خوانندگان نشریه دعوت میکنیم که برای ما نامه بنویسند.

● رفقا "ر-م" و "ای" از تهران، رفقا ابراهیم و نیا از خوزستان و بهمن، هم چنین رفقای دیگر در نامه های خود به سرمقاله رزمندگان شماره ۱۳ و نیز به نامه ما از مورخ ۲۴ تیرماه اشاره نمودند و ایندور از لحاظی متناقض یکدیگر را زیاده می نموده اند. نکته ای که این رفقا به آن اشاره کرده اند بخصوص به این نکته بر میگردد که در سرمقاله مزبور امکان دخالت مستقیم و گسترده امپریالیسم با شکل گوناگون در آن مقطع معین رد شده در حالیکه در بیانیه کودتا بعنوان یک "خطر جدی" از بیایی گردیده است.

البته جدی بودن خطر در هر دو مورد صادق است و آنچه در واقع مورد نظر رفقا است اینست که در بیانیه به کودتا بعنوان یک اقدام طرح ریزی شده و معین از سوی امپریالیسم و بورژوازی متکی به آن برخورد شده است. رفقا این دو برخورد متفاوت را متناقض یکدیگر دانسته اند.

با دیده این مسئله توجه نمود که فاصله زمانی میان سرمقاله شماره ۱۳ و بیانیه کودتا قریب به دو ماه است. در سرمقاله ۱۳ که در اوائل خرداد ماه نگاشته شده است علت عدم امکان استفاده از راههای مستقیم و وابسته به امپریالیسم جهت عملیاتی نظیر کودتا چنین ذکر شده اند:

۱- "افتتاح مربوط به همکاری ارتش با آمریکا در جریان تاج و تاج آمریکا از قبیل تخلیه

آتشبارهای ضد هوایی از پادگانها و فرودگاهها و از کار انداختن رادارها و غیره در شرایط کنونی نوعی هشیاری در افراد ارتش بوجود آورده است، آنچنانکه هرگونه نقل و انتقال برای آنها با پرسش آفرین است، بخصوص که حتی حزب جمهوری اسلامی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در این موارد به ارتشیان هشدار داده اند" (رزمندگان ۱۳ سرمقاله)

میدانیم که در این دو ماه تمام تلاش بورژوازی در این بوده است که ارتش را از سوی ظن خارج نموده و تمام هشیاری های پرسنل انقلابی آنرا خنثی و عدم اعتماد در بورژوازی حاکم را از میان بردارد. درست در تلاشهای بورژوازی و نیازهای خرده بورژوازی حاکم به سازمان و فرماندهی موجود ارتش بود (جهت بکار گرفتن آن در سرکوب خلق کرد و حفاظت از ارتش در مقابل نفوذ روبه گسترش انقلابیون در آن) که موقعیت ارتش بهار دیگر احیا گردید. بگونه ای که بسیاری از فرماندهان، وکلای افسران مزدور ارتش همچنان بر جای باقی مانده و تا او آخر تیرماه سازماندهی ضد انقلابی خود را همچنان حفظ نمودند. مثلاً لشکرزهی اهواز به حمل و نقل بزرگ اشیاء و مهمات از مرز عراق به شهرهای خوزستان دست زد و پادگان نوزده و تیسپ نوحه عملاً در اختیار آنها بود.

۲- "جوشید ضد امریکایی هرگونه دخالت آمریکا را بسرعت مواجه با اعتراض و مقاومت فشرده توده ها خواهد ساخت و عملیات ما جراحیانه آمریکا را بشدت تبدیل خواهد کرد" (همانجا)

عملکردهای حاکمه در طول دو ماه (خرداد و تیرماه) با طرح انقلاب فرهنگی و اداری و مقابله با دیکتاتوران و دستگیری و ضرب و جرح و اعدام انقلابیون و... خود بخود توده ها را نسبت به ماهیت جمهوری اسلامی آگاه تر نموده و نفرت بخشهای بیشتری از آنها را از حکومت برانگیخت.

به عبارت دیگر مبارزه توده ها و تهاجم های مکرر حاکمه که طبعاً تافتهای درون حکومت را تشدید مینماید مهمترین مسئله این دو ماه بوده است. در این میان ضد انقلاب مغلوب و مستقیم وابسته به امپریالیسم که به گسترش شبکه های خود در دستگا های اداری و نظامی مشغول بوده است هم از حفظ و تقویت این دستگا ها سود میبرد و هم از رشد ناراضی و خشم مردم از لحاظ سیاسی مشغول بهره برداری بوده است.

فعالیت های انقلابیون که کوشیده اند جنبه وحدت ضد انقلاب بطور کلی (در سرکوب مبارزه انقلابی توده ها و فعالیت انقلابیون) را در کنار جنبه تضاد جناح های مختلف آن نشان دهند به آن وسعت و کیفیتی که بتوانند در بعد اجتماع موفق باشند.

ده است. لذا طبیعی است که روند مبارزه طبقه کارگری در جامعه ما (سرما به داری وابسته) که هیچگاه نمیتواند در چهار چوب خواسته های عمومی ضد امپریالیستی محصور شود. بشدت از سوی ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم مورد سوء استفاده قرار گیرد و آلترناتیو ضد انقلابی دیگری را جای نشین آلترناتیو "جمهوری اسلامی" ارائه دهد. در جامعه پرتب و تاب ما بذات دوماه فوق الذکر بواسطه تلاشهای بورژوازی حاکم و عملکردهای ناشی از خصلت ضد انقلابی تمام حکومت، و ضعف انقلابیون فرصت مناسبی در بهره برداری ضد انقلابی از رویگردانی لایه های بیشتری از مردم نسبت به حکومت برای ضد انقلاب مغلوب بوجود آورد.

در سرمقاله ۱۳ بدرستی متذکر شده بودیم که "میتوان نتیجه گرفت که آمریکا در اوضاع کنونی ایران دست به اقدام نظامی وسیعی که توده های خلق را بر علیه و در روی وی فشرده سازد نخواهد زد" و "آنجا که پایگاه نیرومندی در بورژوازی لیبرال و ارتش دارد، قطعاً سعی خواهد نمود که از طریق همسو نمودن شرایط و تفاذهای داخلی ایران با منافع خود عمل کند" و این زمانی گفته شد که بی آنکه واقعاً طبع جوشید ضد امپریالیسم در ایران را بوجود آورده و موجودیت آن پایگاه نیرومند را بخطر انداخته بود. درست شکسته شدن این جو که جبر مبارزه طبقه کارگری در جامعه ما (سرما به داری وابسته) که در عین حال جامعه ای است که در آن یک قدرت ضد انقلابی حاکمیت دارد آن را محتوم مینماید، علاوه رفع خطر از آن پایگاه های نیرومند، علاوه آزمان رفتن امکان تسلط بورژوازی حاکم بر قدرت سیاسی لازم بود تا امپریالیسم از طریق نیروهای مستقیم وابسته به خود مجدداً دست به اقدامی دیگر برند. در طول این دو ماه این شرایط فراهم آمدند.

نیروهای مقاومت توده ای در مقابل تلاشهای مستقیم امپریالیسم، تا آنجا که مربوط به خرده بورژوازی حاکم و تحت نفوذ آن است در اثر پراکنده شدن توده ها از اطراف آن از یکسو، رشد نیروهای انقلابی از سوی دیگر و تحولات درون این خرده بورژوازی (انجام ضد انقلابی، انزوا از توده ها، قیض نمودن قدرت سیاسی و بی نیازی از اجتماع توده ای) بسیار قلیل تر گشته است. این تحول نیز عامل مهمی در جارت ضد انقلاب مغلوب میگردد. در اینجاست که اگر در سرمقاله شماره ۱۳ هنوز متذکر میشدیم که: "چنین کودتایی بدلیل نفوذ کلام خمینی در بین توده ها و وجود نهادها و ارگانهای نیرومند روحا نیست... در نتیجه شکست خواهد داشت" اکنون دیگر مدتی است که نمیتوان ان از چنان نفوذ کلام و قدرت نهادها و ارگانها صحبت نمود. بهمین خاطر کودتای تیرماه خطری جدی چه از لحاظ جارت ضد انقلاب مغلوب، و در نتیجه از لحاظ مسئله مقابله با آن طرح گردید. و بهمین دلیل ما اکنون مدتی است که به ضرورت یک برخورد جدی و عملی به مسئله خطرات عملیات مستقیم امپریالیسم و کودتا و امثالهم از سوی انقلابیون اشاره نموده و بر روی اتحاد عمل مشخص نیروهای انقلابی و در درجه اول کمونیستها پای میفرشیم. بنظر

بقیاضفحه ۱

گزارش نشان میدهد که "آستان قدس" که اکنون از سوی جمهوری اسلامی اداره میگردد و از قبول ویژه روحانیت حاکم است حاصل آستانسار را به چهار هدف میسر رساند. ۲۰ میلیون تومان به حزب جمهوری اسلامی (ا.ک.ه) در واقع جبهه سیاسی افرادی نظیر متولیان آستان قدس است و ۱۰۰ میلیون تومان به شهرداری اصفهان که از جمله ادارات قبضه شده در دست

همین حزب است. با توجه به اینکه اصفهان یکی از پایگاههای مهم خرده بورژوازی سنتی مرفه یعنی نیروی اصلی حزب جمهوری اسلامی است و از منظر استراتژیک طبقه مهم تهیه ذخایر لشکر "حزب الله" است، این کمک نیز معنای سیاسی خاصی دارد. همچنانکه در سری مقالات "املاک حاکم ارضی و جمهوری اسلامی" نشان دادیم اراضی موقوفه نظیر "مزرعه"

نمونه "آستان قدس" شامل طاقچه ملاقات اراضی جمهوری اسلامی میشود. در این اراضی مرغوب و پراکنده استثنای رزمندگان تغییراتی نباید داشته باشد. اداره کنندگان و متولیان تغییرات باید به عنوان "حکومت عدل علی" (۱) دستور کارگران را مطابق حداقل تعیین شده توسط وزارت کار به ۵۷۶ ریال برسانند. کارگران موظفند من بزرگاری ظاهراً نصف فراوانی داشته باشند.

سری تحقیقات روستایی:

کشت و صنعت آستان قدس "مزرعه نمونه"

آستان قدس مجموعه ای وسیع از املاک و چندین کارخانه میباشد. این املاک غالباً از موقوفاتی تشکیل شده که در گذشته فتوایها برای بدست آوردن نام و نشان و تظا هریه دیانت به آستان قدس واگذار کرده اند. رشد و استقرار نظام سرمایه داری در ایران باعث شده که آستانه از محل درآمد های موقوفات اقدام به خریداری و تأسیس کارخانجات و هتلهای تفریحی. رقم عمده درآمد آستان قدس را اجاره زمین (چه زمین های زراعتی و چه زمینهای مسکونی شهری) تشکیل میدهد. هدایا و نذورات زوار و متفرجین بخش دیگری از درآمد های آستان قدس می باشد. در بخش صنعت، آستانه دارای چندین کارخانه قند، کمپوت سازی، کنسروسازی، سردخانه، نان ماشین، کشت و صنعت می باشد. اداره این کارخانجات و املاک که نه تنها در استان خراسان بلکه در همه ایران گسترده است. همراه با آموزش و تزیینات آستان قدس، اداره عربی و طوبی را بوجود آورده است. به این جهت علاوه بر کارگران، دهقانان و زحمتکشانی که با تولید بدوش آنها قرار گرفته تعداد زیادی کارمندان و خدمتکاران در ادارات آستان قدس مشغول کار هستند.

آستان قدس همواره منبع درآمد سرشاری برای وابستگان رژیم و درباری رنگین پهلوی محسوب می گردید و هنوز هم درآمد های آن برای بهبود زندگی زحمتکشانی که خود بوجود آورنده این ثروتها هستند مورد استفاده قرار نمی گیرد.

یکی از موسسات نسبتاً جدیدی که آستان قدس تأسیس کرده (حدود ۱۴ سال پیش) کشت و صنعت "مزرعه نمونه" است و مادر این شماره به بررسی این موسسه که مانند دیگر کشت و صنعت های یک موسسه تولید سرمایه داری است می پردازیم. درآمد اداجه سرخس بعد از اینکه از قلعه خیابان بگذریم، زمینهای مسطح وسیعی قرار گرفته، این زمینها کشت و صنعت آستان قدس را تشکیل میدهد. مساحت کل "مزرعه نمونه" ۵ هزار هکتار مربع بوده و ۴۵ حلقه چاه عمیق این زمینها را آبیاری میکند. اداره آن توسط مدیرعامل که خود زیر نظر هیئت مرکب از قائم مقام آستان قدس و چند نفر دیگر از دست اندرکاران آستانه می باشد، صورت میگیرد.

ماشین آلات "مزرعه نمونه" شامل ۱۷ دستگاه تراکتور، ۴ دستگاه کمباین و ۲ دستگاه کمباین جنددر و تعدادی ماشین آلات سبک از قبیل ویجین زن و ... است. تولیدات کشت و صنعت بطور کلی شامل محصولات کشت و ریزی و محصولات دامی می باشد.

الف) کشت و ریزی:

محصولات عمده کشت و ریزی شامل گندم، جو، چغندر، خربزه، سیب زمینی، گیاه فرنگی، پیاز و میوهجات سردرختی از قبیل سیب، گلابی، آلو، آلو، و انگور.

حدول میزان کشت محصولات کشت و ریزی

نوع محصول	مقدار کشت بالانه	مقدار برداشت در هر هکتار
گندم و جو	۲۰۰ هکتار	۶۰۰/۵ تن
چغندر قند	۲۰۰ هکتار	۴۰ تن
کوجه فرنگی	۲۵۰ هکتار	۲۰-۵۰ تن
خربزه	۲۵۰ هکتار	۲۰-۱۵ تن
سیب زمینی	۵۰ هکتار	۲۵ تن

بر جدول بالا باید ۱۰۰ هکتار بونجه ۶۰۰ هکتار تا کشتان و ۲۲۰ هکتار باغات سیب، گلابی، زردلو، آلو و آغافه نمود.

از محصولات فوق، چغندر و میوهجات سردرختی و کوجه فرنگی به کارخانجات سازنده قند و کمپوت و کنسرو که متعلق به خود آستان قدس است فرستاده میشود و بقیه محصولات در بازار آزاد بفروش میرسد.

تولید محصولات که کشت آنها مکانیزه است با استفاده از کارمزدوری انجام میگردد. تولید محصولات از قبیل خربزه، کوجه فرنگی، سیب زمینی و پیاز که مکانیزه نیست بصورت اجاره ای و مناسفه کاری انجام می پذیرد. به این ترتیب که زمین و آب و بذریه کشت و صنعت و بقیه کارها تا تحویل محصول به بازار بازاریار - است. در تولید محصولات سردرختی از کارمزدوری استفاده نمیشود و اجاره ای نیست.

بطور کلی نیروی کار در قسمت کشت و ریزی و باغداری به قرار زیر است:

- ۱- کارگران ماده روزمزد که شامل میرآب ها (حدود ۲۰۰ نفراند)، کارگران فصلی که برای جمع آوری محصول و کارهای متفرقه استخدام میشوند، باغبانان، مزد این کارگران روزانه ۵۷۶ ریال است. کارگران فصلی که بیشتر سرپرست چاه های آب و مکانیک موتور و راننده تراکتور هستند تعدادشان ۳۰-۴۰ نفر است و ماهیانه ۲۰۰۰ تومان مزد می گیرند. ساعت کار روزانه بین ۱۰ تا ۱۱ ساعت است.
- ۲- کشت و رزان نفعه کار - این کشت و رزان را میتوان اجاره محسوب کرد. حدود ۸۰۰ هکتار از زمینهای کشت و صنعت را این دسته کشت می کنند، قرارداد آنها با موسسه به این شکل است که زمین و آب و بذریه موسسه و کشت و برداشت

بدون رهبری طبقه کارگر سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم نابود نمیشود

۴- مهندسین ، تکنسین و دامپزشک : در این قسمت یک نفر مهندس دارای کارمیکندگی ماهیانه حدود ۷۰۰۰ تومان حقوق میگیرد. دو نفر تکنسین دامپزشک هفته ای دوروز کار میکنند و حدود ۲۵۰۰ تومان حقوق میگیرند. یک نفر دامپزشک هفته ای ۸ ساعت گوسفندان را بازدید میکنند و ماهیانه ۲۵۰۰ تومان حقوق دریافت میدارد. اگر بطور تقریب درآمد ماهیانه فروش محصولات این کشتی و صنعت را محاسبه کنیم رقمی متجاوز از ۲۵ میلیون تومان بدست می آید.

امکانات رفاهی کارگران - دهقانان - کارمندان : کارمندان و مهندسان بطور نسبی از یک سری امکانات رفاهی برخوردار هستند. ولی کارگران و زحمتکشانی که در این گشت و صنعت کار میکنند و اغلب اهالی روستاهای اطراف هستند، با دریافت مزد اندکی که در بالادکر کردیم از هیچگونه امکانات رفاهی از قبیل بیمه درمانی، اضافه کاری، حق مسکن، حق اولاد، خواربار، سود ویژه، سرویس ایاب و ذهاب و غیره که معمولاً در موسسات سرمایه داری هر چند بصورت فرمالیته به کارگران تعلق نمیکرد در اینجا خبری نیست.

با این درآمد عظیمی که این گشت و صنعت دارد، زحمتکشان که خود مولد این ثروت هستند زندگی سخت و نامتناسبی دارند. در عوض این درآمد ها صرف مصارف تبلیغاتی و کسترش دستگاه دیوانسالاری و تشریفاتی میشود. مثلاً "استان قدس اخیراً" مبلغ ۲ میلیون تومان به حزب جمهوری اسلامی و ۱۰۰ میلیون تومان به شهرداری اصفهان پرداخت کرد. در صورتیکه همان موقع شهرداری مشهد بودجه پرداخت اضافه کاری و حق لباس کارگران را که ماهیانه عقب افتاده بود، نداشت.

محمول بازار زمین است و محصول بدست آمده بین مزرعه و زارعین نصف میشود. علفچر زمین هم متعلق به کشتی و صنعت است.

۳- مهندسین ، تکنسین ها و کارآفرینان :

۱- نفر مهندس کشاورزی با حقوقی در حدود ۷۰۰۰ تومان
۲- نفر تکنسین ماهیانه در حدود ۳۰۰۰ تومان و چهار نفر کارگر متدا داری با حقوقی ماهیانه ۲ تا ۵ هزار تومان

۳- دامداری :
در این قسمت ۳۰ گله گوسفند که هر گله ۵۰۰ رأس میش دارد نگهداری میشود. پرورش گوسفند در این جا برای تولید بره است که اصطلاحاً "آزاد پرورش" داشته " میگویند در آمد حاصل از این رشته با در نظر گرفتن اینکه از هر ۱۰۰ رأس میش بدست کم ۹۰ رأس بره در سال تولید میشود و قیمت هر بره پس از ۴ ماه چرا حدود ۴۰۰۰ تومان است ، سالیانه مبلغی در حدود ۵/۵ میلیون تومان میشود. علاوه بر آن از محصولات مختلف دامی از قبیل شیر - پشم نیز استفاده قابل ملاحظه ای بدست می آید. (مثلاً " هر گوسفند در سال ۱/۵ - ۲ کیلو پشم میدهد.)

نیروی کار در این قسمت شامل :

۱- چوپان ، کمک چوپان ، خان چوپان : هر گله یک نفر چوپان و یک نفر کمک چوپان و هر ۶ گله یک خان چوپان دارد. مزد خان چوپان ماهیانه ۲۰۰۰ تومان و چوپان ۱۳۰۰ تومان و کمک چوپان ۱۰۰۰ تومان است. ضمناً ۹٪ تولید بره هر گله در سال سهم چوپان و کمک چوپان و ۱٪ تولید بره هر ۶ گله متعلق به خان چوپان میباشد. ضمناً یک نفر مامور خرید و فروش (چوپدار) هم در اینجا کار میکند که ماهیانه ۳۵۰۰ تومان مزد میگیرد. روزانه کار برای چوپانان معنی ندارد، در واقع میتوان گفت ساعات کارشان ۲۴ ساعته است.

پاسخ به نامه ها

بقیاض صفحه ۶

کارکمونستهای در کارخانجات و در میان توده ها و ضرورت های طرح برنامه و تبلیغ و ترویج پیرامون آن نامه ای داشتیم که مورد استفاده قرار گرفت.

● رفقای دروازه غار، رفیق منیر - م - ن ، س - م ، ه - س ، م - م و احمد - واعظم نامه های شما رسید و در روز دگرار ه . ت . مورد توجه قرار میگیرد .

● رفیقی از ما شهردر مورد نا شیر ارگان در محیط و ضرورت توجه با زهم بیشتر به محتوای آن نوشته بود که مورد بررسی قرار گرفت .

● نامه های از رفقا، هر شته تهران ، م . ه . محمود احمد تهران ، بهرام شیراز ، م . احمد تهران ، آ . با - دان س . ع . حسین دانشجو داشتیم که به نکات آن در شماره های بعد بر خور خواهیم کرد .

● تعداد زیادی نامه های فاقد اسم مستعار و شهرت رسیده است ، از تمام رفقا میخواهیم که حتماً اسمی مستعار به همراه تاریخ و شهر خود در نامه های خود ذکر کنند

شامل بورژوازی لیبرال (ونه همه آنها) نیز میگشت ، آیا بستن دفا تر حزب ایران وجبیه - ملی و تعقیب قانونی خسرو شقایب و مدنی و امثالهم سرکوب نیست ؟ البته که هست ، اما سرکوب داریم تا سرکوب کمونیست ها را اعدام میکنند و مدنی ها را دعوت به دادگاه !

منظور ما از "جریانات سیاسی مخالف" البته جناح های بورژوازی هیات حاکمه نیست اگر چه اینان نیز مخالفتی با جناح خرده بورژوا - بی حاکم دارند. لذا اگر چه در متن مقاله موضوع روشن است اما بهتر بوده که ما جریانات سیاسی دراپو زیستون را بجای "جریانات سیاسی مخالف" خرده بورژوازی حاکم ذکر میکردیم . هم چنین رفیق نسبت به کاربرد واژه "شکلهای ارتجاعی" برای انجمن های اسلامی و امثالهم اشاره کرده است که با دقت بیشتر متوجه میشویم که مقوله بدستی واژه "شکلهای ارتجاعی" استفاده شده است .

● رفقای از خوزستان "رفیق م - رفقای از گیلان ، رفیق د - ۲ درباره سبک نگارش و نواقص نشریه نکات جالبی را متذکر شده بودند که مورد توجه ه . ت قرار گرفت .

● از رفیق کارگری از کارخانه هوست در مورد

شکست طرح خودتای تیرماه ضربه بزرگی برآمدگی ارتش جهت ایفای نقش قبلی خود وارد نموده است . اما بهیچ وجه آن شرایط سیاسی را که بعد از واقعه طبعی بوجود آمده بدیدان اشاره کردیم ، بر علیه اقدامات ضد انقلاب مغلوب و امپریالیسم بوجود نیاورده است . بهیچ خاطر استفاده از اهرم دیگری (مثلاً ضد انقلابیون فراری و مزدوران سازمان داده شده در خارج مرزها) که در رابطه با اهرمهای دیگر - (افکانات بورژوازی لیبرال که در اپوزیسیون قرار گرفته و روحانیون پشتیبان آنها) (واژه جمله ارتش (بخصوص ارتش مستقر در خوزستان و کردستان) عمل کنند ، اکنون در صورت توجه و فعالیت مستقیم امپریالیسم و وابستگان داخلی شان است .

● چندین نامه از رفیق صمد از تهران داشتیم که نشان دهنده دقت و احساس مسئولیت قابل تحسین رفیق است . در یکی از نامه ها رفیق به سرمقاله ۱۲۲ اشاره نموده و متذکر شده است که تعرض جدید خرده بورژوازی را نمیشاید سرکوب کلیه جریانات سیاسی مخالف آنها دانست . بقول رفیق ، خرده بورژوازی حاکم "توده های مردم و کمونیست ها را واقعا سرکوب میکند و جریانات بورژوا لیبرالی را صرفاً عقب میراند" . توجه رفیق را به منظور از "جریانات سیاسی مخالف" که در سرمقاله با مثال ذکر شده است جلب میکنیم . این جریانات سیاسی

بقیاض صفحه ۱۰

زندگی مردم صورت نگرفته است... مشکلات کارگران را در زندگی روزمره شان درک نمی‌کند. اما آیا او می‌تواند مشکلات کارگران را در زندگی روزمره شان رفع نماید؟ او با همین اظهارات و وعده‌ها در ۱۹۷۰ بجای "کوملکا" به دبیر اولی حزب انتخاب شد؟ تجربه امروز کارگران لهستان و تجربه ده ساله شان مانع از آن خواهد شد تا گریک بتواند با تبلیغات خود بر خواسته‌های واقعی کارگران سربیش بگذارد.

اعتمادات دو ماهه کارگران لهستان که بنا به آمارهای گوناگون رقمی بین ۳۰۰۰۰۰ تا نیم میلیون کارگر را دربرگرفت از خصوصیات بارز آن، نظم و ضبط فعال توده‌های کارگر و همبستگی و سیاست برابر خواهانه کارگران بود. کمیته‌های اعتصاب محیط کارخانه را کاملاً تحت کنترل گرفته و هر نوع عامل هرج و مرج حتی مصرف آبجور ممنوع اعلام کردند. همه تازه واردین را واریسی می‌نمودند و هیچگاه تن به سیاست تفرقه افکنانه دولت که سعی داشت با هروا حد مستقلاً وارد مذاکره شوند ندادند. خانواده کارگران شبانه روز در خانه کارخانه‌ها و محل تجمع کارگران اعتماد می‌گرمیدند و با تشویق و تهییج کارگران و تهیه غذا روح همبستگی این طبقه تاریخ ساز را عیان می‌نمودند. گسترش فزاینده اعتصابات نظم عظیم کارگران را مختل ننمود و هشدار ندهد و مقابل توطئه‌هایی که می‌توانست حوادث خونبار ۱۹۷۰ را تکرار آورد مانع عمل می‌آوردند. بی شک اعتصابات تدریجی شونده کارگران لهستان که سالهای ۱۹۵۶، ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ نمونه‌های بارز گذشته است می‌باشد و این حدبانی نمی‌ماند همچنان که کارگران در سال ۱۹۸۰ بسیار فراتر از خواسته‌های بحرانی گذشته قدم گذاشتند. مبارزات کارگران در مین بحرانی که از یکسواشی از وابستگی اقتصادی و سیاسی لهستان به سوئیا ل امپریالیسم شوروی بود و از سوی دیگر از سخت‌بوروکراتیک و حاکمیت رویزیونیستی آن ناشی می‌شود عتلاً یافته و انکال متعالی تری بخود خواهد گرفت. رشد و پیروزی تریخی می‌بایست مستقیماً بر علیه غاصبین رویزیونیست که دست آورده‌های مبارزات خلق لهستان را در دوران سلطه فاشیسم هیتلری و حکومت دموکراسی توده‌ای ۱۹۴۷ تا سالهای نخست دهه ۱۹۵۰ بر باد دادند به پیش رود و سوئیا لیسم دروغین، سوئیا لیسم مثنی بوروکرات رویزیونیست و خاشن به منافع پرولتاریا را سوئیا لیسم میان تھی رهروان بورژوازی را عیان سازد.

اگر مبارزات کارگران برای بهبود شرایط عمومی زیست خود برای کاهش هزینه‌های زندگی، برای حق اعتصاب و اتحادیه‌های آزاد شده از یوغ بوروکراتیسم موسوم به حزب کمونیست همه بیانگر آن ساخت اقتصادی - اجتماعی است که در آن نه تنها کارگران حکومت نمی‌کنند، نه تنها از حق اتحادیه‌های مستقل خود محروم هستند و نه تنها حق اعتصاب ندارند بلکه به تعبیر لنین "هر کس که گوشت می‌خواهد باید اعتصاب کند". اگر اعتصابات گوناگون و بحرانی تری تسریع شوند ۱۹۷۰ - ۱۹۷۶ و اینک ۱۹۸۰ و خواسته‌های کارگران مطلقاً چیزی بنام سوئیا لیسم را در لهستان نفی می‌کنند و اگر کارگران لهستان نیز مانند کارگران جوامع سرمایه داری هنوز حتی برای حقوق بورژوازی نیز مبارزه می‌نمایند تصور سوئیا لیسم، تصور حکومت کارگران یا حتی دموکراسی توده‌ای در چنین روابط اجتماعی - اقتصادی چگونه می‌تواند مطرح شود. خواسته‌های کارگران و رشته بهم پیوسته مبارزاتشان از ۱۹۵۶ بدین سو در درجه اول آن چیزی که خاشن به پرولتاریا و رویزیونیستهای رنگ و وارنگ بنام سوئیا لیسم تبلیغ می‌نمایند نفی نموده و بیانگر آن روابطیست که در آن همچنان کارگران اسیر زنجیرهای خود هستند و همچنان برای رهایی از زنجیرها مبارزه می‌نمایند. و اگر خواسته‌های سیاسی اقتصادی کارگران دقیقاً بمعنی انهدام حاکمیت سوئیا لیسم و حتی دموکراسی توده‌ایست و وجود شمارهای مذهبی و مراسم دعا و نیایش در ضمن اعتصاب و بالابردن تما ویر "مریم مسیح" و پاپ و تبلیغ کا تولیسم منع نیز بیانگر گوشه‌ای دیگر از خیا نتهای رویزیونیسم و سلطه آن بر پرولتاریا است. سلاخ سوئیا لیستی اروپای شرقیست. هنوز برخی از کارگران، پاپ لهستانی

را بسیار غرور و افتخار ملی خود می‌دانند و در ضمن اعتصاب به سروده‌های مذهبی متوسل می‌شوند و عدم رشد فرهنگ سوئیا لیستی در جامعه لهستان که بنظر پاپ با یکا مذهب کا تولیک در جهان کمونیستی است و کمونیست کلیساها و نمازخانه‌ها و مراکزی بنام "دانشگاه‌های سباز" و "دانشگاه‌های دهقانی" برای تحقیق توده‌ها و تبلیغات ضد کمونیستی گوشه‌ای از خیانت رویزیونیسم به آرمان پرولتاریاست. مذهب در لهستان بعد از ۳۲ سال که از پیروزی خلق لهستان می‌گذرد آنچنان پای به نفوذ دی حتی در بین کارگران دارد که سال گذشته وقتی پاپ به لهستان موطن خویش بر میگردد و دولت مانع از سفر او به مناطق معدنی می‌شود ۱۰۰۰۰ کارگر معدن دست از کار کشیده و برای دیدار پاپ و نیایش در حضور او به مقر وی راهپیمایی می‌نمایند. سوئیا لیسم اگر ۳۲ سال از دوران حاکمیت در لهستان گذشته باشد چگونه می‌تواند این چنین فرهنگی را در پرولتاریا هنوز حفظ کرده باشد. سوئیا لیسم چگونه می‌تواند بعد از ۳۲ سال برای فرو نشاندن اعتصابات کارگری از کار در بنال کا تولیک بخواد در تلویزیون سراسری کارگران را دعوت به آراش نماید. آن شرایط اقتصادی فکادارگری و تبلیغ مزورانه آن بنام سوئیا لیسم، دقیقاً زمینه رشد و تقویت کا تولیسم منع را حتی در میان کارگران بوجود آورده است. همچنان که بورژوازی اروپای غربی و آمریکایی نیز از آن با عنوان سوئیا لیسم بر علیه آرمان پرولتاریا بهره‌مند می‌شود. ما منکر قیام دیرپای مذهب حتی در جامعه سوئیا لیستی نیستیم ما با وجود مذهب در این شکل و با این ابعاد چگونه می‌تواند با تکامل ۳۲ ساله سوئیا لیسم چه در زمینه فرهنگ مادی و چه در زمینه فرهنگ معنوی تعبیر شود. خیانت به آرمان پرولتاریا بوسیله رویزیونیستهای لهستان و سراسر اروپای شرقی، بسرکردگی اربابان سوئیا ل امپریالیست‌شان نه تنها سوئیا لیسم را به انهدام کشانده است بلکه فرهنگ معنوی آن را نیز در این جوامع از تکامل باز داشته است و پرولتاریای لهستان برای اخفاء سوئیا لیسم باید فعالانه بر علیه جریانهای مذهبی همه جریای بورژوازی که کوشش دارند مبارزات آنهارا به انحراف بکشانند، مبارزه نماید. رویزیونیسم همه چیز را در لهستان به انحطاط کشانده است. حیات مذهب در این ابعاد خود بنوعی بمعنی نابودی سوئیا لیسم نیز هست.

اوج گیری مبارزات کارگران لهستان در این تبلیغات بورژوازی اروپا و آمریکا را بر علیه سوئیا لیسم شدت بخشیده و تلاش دارند تا جنبش پرولتاریای لهستان را که بر علیه حاکمیت رویزیونیست‌ها و تحقق خواسته‌های تردیونیونی اش است بر علیه سوئیا لیسم جلوه دهد در مورد مبارزات طبقه کارگر لهستان حتی اگر حیاتاً معاف بورژوازی نیز در بخشهایی از آن نفوذ داشته باشد باید آگاه کرد که این شرایط مشخص زندگی وی در لهستان است که وی را بمبارزه کشانده است و برای احقاق خواسته‌های تاریخی خویش مستقلاً مبارزه خواهد نمود بررسی مبارزات کارگران لهستان بر جسته ترین واقعیتی است که ما هیت آن چیزی را که رویزیونیست‌ها به تبعیت از اربابان روسی شان بنام سوئیا لیسم تبلیغ می‌نمایند و بر خلق لهستان حاکم است آشکار می‌سازد. سوئیا لیسمی که صرفاً رویزیونیست‌ها نام تھی آنرا برای پیش برد اهداف اجتماعی - اقتصادی بورژوازی خود بکار می‌گیرند. بحرانی دو ماهه اخیر دنیا له‌آ آن سری بحرانی فزاینده است که در ۱۹۵۶ در ۱۹۷۰ و ۱۹۷۶ رخ داده و اینک در ابعدی گستره تر از همیشه چه از نظر هماهنگی و نظم توده‌ای و چه از نظر نوع مطالبات ادامه می‌یابد و طلسمه دوران جدید مبارزات کارگران آن کشورهاست که احزاب خاشن رویزیونیست دست آورده‌های مبارزات خلق‌های آنرا به انحطاط کشانده اند و راه تکامل جامعه را سد نموده اند. آری همچنان که ما رکن در قرن نوزدهم اظهار می‌دارد "لهستان گرما سنج خارجی شد و توان همه انقلابات ۱۷۸۹ بعداً است؟" واقعیت چنین نشان میدهد. هراس نوسیا ل امپریالیسم از مدخله نظامی در لهستان علیرغم تهدیدات غیر مستقیم آن بپانگرمق بحران ابعاد جنبش و وحدت و همبستگی طبقه کارگر لهستان بوده که نخواهد گذشت "تا نکها روسی جای گوشت را بگیرند" (اشاره به نقل قول یکی از دیپلماتهای شوروی است) *

لهستان: • کارگران بر علیه رویزیونیسم

شناختن حق اعتصاب برای این اتحادیه‌ها و لغو اسلحه‌ها و آزادی زندان -
نیان سیاسی و... بمیان آمد.

ایجاد اعتصاب با شروع موج اعتصابی از مجتمع کشتی سازی
"لنین" با ۱۶۰۰۰۰ کارگر و توسعه آن به سراسرینا دریا لیتیک در شمال
لهستان بعدی بود که در سراسر لهستان حالت فوق العاده و بحران‌سی
ایجاد نمود. تعیین میزان دقیق اعتصاب با توجه به توسعه پراکنده
آن طی دو ماه امکان پذیر نیست. کافی است ذکر شود که یکی از اعضای
دفتر سیاسی حزب در ماسک به یک خبرنگار خارجی در وینا اظهار
داشت که "تنها در لیبولین ۲۰۰ کارخانه و کارگاه دست از کار کشیده‌اند -
ند" و کمیته اعتصاب صنایع گداشک ادعا نمود که ۲۶۰ کارخانه و کارگاه
را تحت پوشش خود داشته و تعداد اعتصابیون روز بروز افزایش می‌یابد.
و بنا به اظهارات ریگر در تلویزیون سراسری لهستان هر روز اعتصاب
۵۰ میلیون دلار به اقتصاد کشور لطمه می‌زند.

حزب رویزیونیست حاکم بر لهستان ابتدا تلاش نمود تا از طریق
تبلیغات سیاسی بر علیه کارگران بعنوان عناصر "فدوسیالیست"
یا کسانیکه تحت تاثیرات رشیستها و ضدوسیالیستها قرار گرفته‌اند
و بخش اعلامیه‌ها و تراکتها از طریق هلی کوپتر در مناطقی اعتصابی
امواج اعتصاب را فرو بشارند اما پاسخ یکی از زنان کارگران
کشتی سازی واقعیت امر را به آشکاری بیان میدارد و میگوید: "ما ضد
وسیالیست نیستیم ما حداقل معیشت، جایی برای زندگی و تامین
حداقل رفاه برای فرزندانمان را میخواهیم" دولت بعد از تلاش نمودن از
طریق تفرقه در بین کارگران و مذاکره با کارگران اعتصابی هر واحد
توسعه اعتصاب را متوقف کرده و به اهداف خود برسد که نمایندگان
کارگران تحت فشار توده‌های کارگر که شرکت فعال آنها از ویژگی‌های
اصلی این اعتصاب سراسری بود باعث شکست این سیاست دولت
گردید.

رشته اصلی اعتصابات گسترده اخیر لهستان اعتصاب مجتمع
کشتی سازی گداشک بود. کمیسیون مذاکره با نمایندگان کارگران
تصمیم گرفت تا از طریق پذیرش خواسته‌های اولیه کارگران گداشک
این شعله فروزان را فرو بشارند و در مذاکره با اعضا کمیته اعتصاب
نمایندگان کارگران، با شرط افزایش ۵۰ دلار حقوق ماهانه و تامین
امنیت قضایی برای کارگران اعتصابی پذیرفتند که به اعتصاب
پایان داده و به سرکارشان بازگردند اما وقتی "لیک و السالیکسی" از
نمایندگان کارگران بمیان آنها بازگشت و نتیجه مذاکرات را بیان
داشت، کارگران جوانی فریاد کردند: "لیک ما را فروختی". اما میبایست
همراه همه کارگران تا آخر مبارزه نمائیم و "لیک این تکنسین ۳۷ ساله
و نماینده پرشور کارگران نیز با آنها همراه گردید: "ما همراه هم
برای تا مین همه" مطالباتمان مبارزه خواهیم کرد.

افزایش ۵۰ دلار، حقوق متوسط کارگران کشتی سازی را به ۲۸۵ دلار
پیرامون ۵۰ درصد افزایش حقوق متوسط کارگران صنایع شوریه‌ای
۱۷۲ دلار بود اما خصلت عظیم توده‌ای اعتصابیون شرکت وسیع و منظم توده
های کارگران از پیشرفت سیاست جدایی افکنانه حزب رویزیونیست
گریز گردید.

بالاخره ریگر در منطق تلویزیونی خود آشکارا بحران اقتصادی کشور
و نیازمندیهای کارگران را تا حد نمود اظهار داشت که "اشتباه‌های
در زندگی اقتصادی رخ داده است و پیشرفتی در سازمان تلویزیون
نموده‌ام" صفحه ۹

بمانند ۱۰۰۰ اما اینک این توافقات را رژیم گمراخته عملی
نارزد با قبول یکی از رهبران کارگران صرفاً "صحبتی با شد در باره"
صحبتها "چیزیست که در درجه اول وحدت طبقه کارگر لهستان و مبارزه
و پاکسازی برای تحقق خواسته‌ها و توافقات تعیین خواهد نمود. تعویض
نخست وزیر پانیوش و برکناری سه تن دیگر از اعضای دفتر سیاسی حزب رویزیونیست
لهستان که کارگران آنها را بعنوان بخشی از کمانیکه با عنوان "مداخلات
و کمپوهای اقتصادی کشور شده‌اند" معرفی کرده بودند نیز یکی دیگر از
خواسته‌های بود که از همان آغاز اوج گیری اعتصابات دبیران حزب
زیر بار فشار اعتصابات به آن تن در داده.

بحران اخیر لهستان که موجب اعتصابات گسترده‌ای گردید
بعد از شورشی کارگری ۱۹۲۰ در جنبش کارگری لهستان بی سابقه
است. در سال ۱۹۲۰ نیز با لارفتن بهای مواد غذایی اعتصابات
و تظاهرات خیابانی کارگران شکل گرفت که در درگیریهای خونینی
با پلیس پیدا کردند طبق خبر منابع رسمی دولت لهستان ۴۶ کشته و
۱۶۰۰ زخمی دادند و در مرکزی حزب را به آتش کشیدند و در جنبش پایانی
خونینی دبیر اول حزب "کومولگا" را برکنار شدند و دیگر با تهدیدات مین
نیاز کارگران جای وی را گرفت و در ۱۹۲۶ با لارفتن هزینه مواد غذایی
سریعاً کارگران را وادار به عکس العمل نمودند و آنها را بستند، دفاعات
محلی حزب را به آتش کشیدند و دولت را مجبور کردند طی ۲۴ ساعت بهای
مواد غذایی را به نرخ سابق آن بازگردانند اما تعداد زیادی از کارگر
انفعال اعتصابی را به دستگیر شدند اما دولت گریز فرار را با
کارگران مجبور بود با صرف ۴۰٪ از هزینه بودجه سالانه خود قیمت کالا -
های مصرفی شود. با سوزن کالاهای غذایی را پاشین نگهدارند و ماه قبل
بدلیل نا رضایتی تولیدکنندگان کشاورزی (بین ۲۰ تا ۷۰٪ مزارع
کشاورزی در مالکیت خصوصی دهقانان است) افزایش واردات و بار
سنگین ترخه‌های خارجی که به ۱۹ میلیارد دلار بالغ شده است و کاهش قابل
توجه نرخ و سود سالانه صنایع (نرخ رشد اقتصادی سال ۲۸/۰۷۹٪ کمتر از
میزان پیش بینی شده و نرخ رشد صنایع در همین سال ۴/۹٪ کمتر از
میزان تعیین شده بود) با ردیگر بهای گوشت را با لارده تا از طرفی با
کاهش تقاضا بتوانند میزانی از آنرا را در شومده و با لارنگداشتن نرخ
آن از بحران کشاورزی و نا رضایتی صاحبان خصوصی مزارع بکاهد.
اما با لارنگ نرخ گوشت بمشابه جرقه‌ای برانبار را روت نا رضایتی
طبقه کارگر عمل نموده و اعتصابات پراکنده‌ای را از ۸ هفته قبل
موجب شد دولت در آغاز تلاش داشت تا بطور موقت در سطوح محلی با
مذاکره با کارگران هر کارگاه با کارخانه‌ها و صرف هزینه‌ای معادل
۱۱۷ میلیون دلار با رضایتی را کاهش داده و از گسترش همه‌جانبه
آن جلوگیری کنند اما صنایع دولتی گریز موثر واقع نشد و با شروع
اعتصاب در کشتی سازی گداشک بندر سواحل شمالی لهستان نقطه
عطاف اعتصابات شکل گرفت و سراسرینا در شمالی قریب ۴۰۰ کارگاه
و کارخانه را در بر گرفت و به بخش خدمات شهر و از جمله رانندگان و سائل
نقلیه عمومی و همچنین مراکز صنعتی کلیدی شهرهای جنوبی سرائیت
کمیسیون روزنامه‌ها اعتصابات عمومی در ماسک - لهستان سوزید و در این اواخر
در گرفتار خواسته‌های کارگران از بالا رفتن حداقل حقوق و بهبود
شرایط کار که مطالبات عمومی کارگران است قرار گرفته و مطالبات
سیاسی و اجتماعی از جمله تشکیل اتحادیه‌های آزاد کارگری، بسامیت

قطع کامل رسته‌های خونین امپریالیست‌ها فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

ضمیمه سیاسی خبری 'زمندگان' ارگان 'سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر'

دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ تک شماره ۱۵ روال شماره ۲۸

پیکر زمندگان

۱۸ صفحه

«کمونیستها هرگز به مردم دروغ نمی گویند»
کمونیستها هرگز به صاحبان فسادت
تکیه نمی کنند. کمونیستها فقط به
قدرات طبقه کارگر و مبارزین حجت کشان
و روشنفکران انقلابی متکی هستند.
ولادیمیر ایلیچ لینن

خطاب به:

کارگران دلاور صنعت نفت ونمایندگان آنها

کارگران قهرمان صنعت نفت! هنوز
فریادهای "درود بر کارگر نفت ما" در گوی
شما طنین انداز است. خلق ما ضربات
گوینده و تعیین کننده ای را که با اعتما
بات قهرمانان و سراسری شما برپیکر
رویم شاه خائن وارد آید مدهیگاه فرا
نمیکنند.

مبارزات دلاوران کارگران نفت
در نیم قرن اخیر نشان دهنده نقش عظیم
آنها در پیشاهنگی جنبش انقلابی و کار
گری میهن ماست. بقیه ر صفحه ۲



در جریان رشد هرا انقلابی روزهای
وجود دارند و فرا موش نشدنی و سرنوشت سا
که نقطه عطفی در جریان قهرمانیه
جانبازیهای خلق به شمار میروند. ۱۷ شهریور
سال ۵۷ چنین روزی است. روزی که
۷۰ هزاران شهید گمنام خیا
نهای تهران را گلگون کرد و با ردیگر
در تاریخ نشان داد که خلقها در راه مبار
زه خود از هیچ چیز حتی جان نشان نیز دریغ
ندارند.

تا قبل از حماسه ۱۷ شهریور و آغاز
اوج گیری انقلاب در تابستان ۵۶ مبار
زه از تداوم روزمره برخوردار نبود. پر
اکنده و با فاصله در شهرهای مختلف
تظاهرات صورت میگرفت. مردم یک شهر
خیابانها میریختند و با دادن شعارهای
تظاهرات کرده و بعد از یورش و تهاجم
پلیس و ارتش ضد خلقی شاه و درگیری با
آن به خانه هایشان میرفتند تا شهر
بقیه ر صفحه ۶

در صفحات دیگر میخوانید

دروغهای شاخدار رژیم

دانشجویان دختر شهید
از خوابگاه به زندان اوین

حزب خائن توده
دست سازشکاران را رومی کند

مبارزه و آگاهی توده ها
پشتوانه فعالیت
نیروهای انقلابی

در پرامون محاکمات
احمد رضا کریمی خائن

و...

کارگران در حمایت از همزمان اخراجی خود

اخبار کارگری

در صفحه ۶

هولناک جنایات و ترسها، آنا ن
اجبار از مبارزه دور گردانده بود. خبر
گزاری ها جمعیت تظاهرات کننده را تا پنجاه
هزار نفر برآورد کرده اند. و این یک نوید
گرمی بخش از آتش است که خود را از خا
کستر میبالاید.

اینک، پینوشه، این سردار محبوب
سرمایه داران شیلی و آمریکاییستهای
آمریکایی که با خون سرخ کارگران،
چرخ های سرمایه را بچرخ "مطلوبی" برآه
انداخت، خود را آماده میکنند تا با دستکا
ری در قانون اساسی، حاکمیت خود را
تا سال ۱۹۹۷ بیهم کند. زیرا او به برتری
تفنگ های آمریکایی در مقابل سینه های
برهنه کارگران ایمان کامل دارد.
طبقه کارگر شیلی، تجربه ای دزدناک اما
گران بها را از سر گذرانده است. تجربه ای
که در آن، خیانت رهبران دروغین و
جنایت دشمنان آشتی ناپذیرش را، با
خون سرخ عزیز ترین فرزندانش آزموده
است. تجربه ای که باید به معرض قضاوت
تمام کارگران جهان گذاشته شود، تا بار
بقیه ر صفحه ۷



در آستانه هشتمین سال کودتای خو
نین و جنایتکارانه و ترسناک های آمریکا
بی در شیلی، اینک خبرگزاری ه
از نخستین تظاهرات مردم بر علیه حکو
مت نظامیان خبر میدهند. سا نتیاگو پس
از هفت سال سکوت خونینار، دوباره شاهد
خروش ر حجت کشانی است، که زخم های



خطاب به...

بالا بودن درجه آگاهی و رشد سیاسی و اجتماعی، اتحاد و همبستگی و مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت و نقش حساس صنعت نفت در حیات اقتصادی ایران، باعث گردیده که شما همواره خارج چشم ارتجاع و امپریالیسم و سد محکمی در مقابل حاکمیت بلامنازع آنها باشید.

رژیم جمهوری اسلامی که از آگاهی، تشکل و قدرت کوبیده، شما کارگران صنعت نفت با خیز بودا و همان ابتدای حیاتش به خیال خام خود سعی نمود با دادن بعضی امتیازها مانند اختصاص بکروزیول نفت به کارگران صنعت نفت شما را از بقیه کارگران و زحمتکشان جدا سازد اما زهی خیال باطل! شما با تکیه بر آگاهی و سابقه و تجربه مبارزاتی خود دست به تشکیل شوراهای در تمام رشته های صنعت نفت زدید و همراه با شناخت هر چه بیشتر ما هیت رژیم جمهوری اسلامی و مشاهده اعمال سرکوبگرانه آن در کردستان و سر اسرایران گام های مثبتی در جهت متشکل شدن در شوراها و اتحادیه سوازی کارگران نفت برداشته اید. انتخاب ۵ نفر نماینده جهت مذاکره با کارفرما (دولت) برای بستن پیمان جمعی خود نشان میدهد که شما کارگران صنعت نفت ضرورت مبارزه و فعالیت متحد و یکپارچه شما کارگران صنعت نفت را درک کرده اید. و در جهت آن قدمهایی نیز برداشته اید.

اما این درک ضرورت، قدم اول است و تنها دریا به برداشتن قدمهای بعدی یعنی ادامه مبارزه با زمان یافتنه و انقلابی و با برنامه برای رسیدن به خواسته های بلند مدت و کوتاه مدت طبقه کارگر و کارگران صنعت نفت، نتایج مثبت خود را به بار خواهد آورد.

نمایندگان کارگران صنعت نفت پتروشیمی شرکت کننده در مذاکره با نمایان جمعی با دولت در پایان مذاکره به خود با مقامات دولتی، طلبی های شرکت در مذاکرات و بی نتیجه آنرا اعلام کرده و نظراتی ابراز

داشته اند. که بی توجهی نسبت به این نظرات و برخورد انقلابی نکردن به آن، می تواند نتایج زیان باری، به بار آورد. نمایندگان در این اطلاعیه، ضمن اعلام بی نتیجه بودن مذاکرات با وزارت نفت و کار رود فتر رئیس جمهوری به حق به وزارت نفت و کار را اعتراض کرده اند و این اعتراض، ندای اعتراض تمامی کارگران دلاور صنعت نفت گاز، پتروشیمی و کل طبقه کارگران ایران، به بی توجهی گردانندگان جمهوری اسلامی نسبت به خواسته های برحق کارگران و اعتراض به اقدامات ضد کارگری رژیم حاکم است.

مبارزات دلاورانه کارگران نفت در نیم قرن اخیر نشان دهنده نقش عظیم آنها در پشاهنگی جنبش انقلابی و کارگری میهن ماست بالا بسودن درجه آگاهی و رشد سیاسی و اجتماعی، اتحاد و همبستگی و مبارزات قهرمانانه کارگران صنعت نفت و نقش حساس صنعت نفت در حیات اقتصاد ایران باعث گردیده که شما همواره خارج چشم ارتجاع و امپریالیسم و سد محکمی در مقابل حاکمیت بلامنازع آنها باشید

است ؟

پس چرا میگویند "دستهای در کنار است؟" ما هم میدانیم "دستهای در کنار است" ولی این دستها، دستان ناپاک و خون آلود کل هیئت حاکمه است که تمامی اعمال و سیاستهایش بر ضد کارگران و زحمتکشان و خلق ایران است. این دستها دستهای کل حکومت جمهوری اسلامی است نه دستهای مرموز و ناشناخته "نه" عناصر و محافظی در درون حکومت "

نمایندگان در اطلاعیه خواستار تعیین هیئتی برای رسیدگی به وضعیت پیمان جمعی شده اند. "ما نمایندگان کارگران صنایع نفت گاز، پتروشیمی و... ها را آنیم که هر چه سریع تر هیئتی تعیین و در صورت امکان، با شرکت نماینده امام به این مسئله رسیدگی شود و وضعیت پیمان جمعی را روشن نمایند." دوستان نماینده امگر شما چند سطر بالا نگفتید که پس از مدت یکماه تلاش و سرگردانی و مذاکره با مسئولان وزارت نفت و کار رود فتر رئیس جمهوری نتیجه ای گرفته نشد؟ "پس چگونه است که شما با خواهان تعیین هیئتی برای رسیدگی وضع و عقد پیمان جمعی شده اید؟ اگر

اگر چه در اطلاعیه به صراحت از سر کردن شدن و بی نتیجه بودن مذاکره، صحبت می شود، اما در ادامه اطلاعیه آمده است: "ما هشدار میدهم که دستهای در کنار است که تلاش دارند، ما کارگران صنعت نفت را که حاکمان واقعی انقلاب اسلامی ما را بوده و هستیم، به اعتصاب ناخواسته بکشانند"

آیا این شیوه برخورد تظہیر کردن هیئت حاکمه نیست؟ آیا بکاربردن اصطلاح معروف "دستهای در کنار است"، که ورد زبان سازشکاران و فرصت طلبیان شده است باعث نمیکرد که ما هیت ضد کارگری و ضد انقلابی کل هیئت حاکمه پنهان گردد؟ آیا این گونه برخورد کردن به موضع گردانندگان جمهوری اسلامی نمیخواهد اینطور و نمود کند که دستان ناپاک در میان دستان پاک هیئت حاکمه بر ضد کارگران توطئه چینی میکند؟ و بدین ترتیب مسئولیت تمامی اعمال و سیاستها ضد کارگری و ضد انقلابی کل هیئت حاکمه را به دست های مرموز نسبت دهد؟

مگر شورای مرکزی کارگران صنعت نفت اهل از بدست دادن انقلاب خوزستان منحل نگردید؟

مگر ۴ تن از نمایندگان کارگران با لایحه آنها با دادن دستگیریه زندان اوین

خطاب به ...

دانشندگان جمهوری اسلامی میخواستند فقط از طریق مذاکره و تعیین هیئت بکار تان رسیدگی کنند تا حالا کرده بودند و یکماه ۶۵ نماینده کارگران را از این دفتر و وزارت خانه به آن دفتر و وزارت خانه میفرستادند ما مخالف مذاکره کارگران با کارفرمایان نیستیم. تا وقتی که نظام سرمایه داری حاکم است، طبقه کارگر در مبارزات خود، تن به مذاکره با کارفرما یا با دولت نخواهد داد دولتی مذاکره با چه پشوانه ای؟

طبقه کارگر و توده های زحمتکش هیچ خواسته ای را تنها از طریق مذاکره بدست نیاورده و نخواهند آورد. طبقه کارگر و توده های زحمتکش در ایران و سراسر جهان، خواسته های خود را تنها و تنها از طریق مبارزات پرشور و دلاورانه خود بدست آورده و خواهند آورد. و حق خود را با زور و قدرت و مبارزه از حلقوم کارفرمایان و دولت حامی آن بیرون کشیده و خواهند کشید. حتی بدست آوردن کوچکترین خواسته های کارگران از طریق مذاکره نیز تنها در پرتو پیرویه پشوانه یک جنبش مبارزاتی کارگری پیرومند، متشکّل و متحد امکان پذیر است و پس...

کارفرمایان و دولت حامی آنها، وقتی از طریق مذاکره خواسته های کارگران را بدست نمی آورند و نمی بینند که نیروی عظیم و متحد کارگران آنها را تحت فشار قرار دهد و به وحشت انداخته و ترسیده است که وقتی مذاکره با پشوانه کارگران را بکارگران شکست می خورد و کارگران تنها از طریق مذاکره نمی توانند خواسته های برحق خود ببرند، تنها راه نجاتی مانده، مبارزه کردن است. (ما در اینجا به خوبی این مبارزه شکنجه ها و شکنجه های آن کاری نداریم) اما، نمایندگان در اطلاعیه خود، به جای دعوت کارگران به مبارزه با حداقل سکوت رسمی کردن، در این مورد، کارگران می خواهند که دست به هیچ گونه مبارزه ای نزندند.

"مروءیت به مبارکان عربیست" زحمتکش خود را بدهیم که متوجه هر چه کت خدا انقلاب و عتارف فرصت طلب، کینه تلاش دارند با استفاده از این مسئله،

علیه انقلاب تبلیغ کنند، با هوشیاری برخورد کنند و گفته رهبر بزرگان امام خمینی را در نظر داشته ... که در این شرایط هر گونه تحمّن یا اعتصاب، گم کاری برای انقلابیان زیان آور و خطرناک است، و از هر گونه اقدامی که در وضع بحرانی کشور منجر به آشوب و اغتشاش شود جداً پرهیز نمایند.

دوران به اجرا در آمدن این گونه فتواها سر آمده است، دیگر اجرای آنها با میل و رغبت و اعتماد از سوی کارگران صورت نمی گیرد. اینک حکومت برای اجرا کردن این فتواها و احکام، به زور تصویب قوانین ضد کارگری و ۳ پاسداران متوسل میشود. شما با این گونه موضع گیریها، باعث خوشحالی هیئت حاکمه و تمانی عنا

شما کارگران دلاور صنعت نفت با آن سابقه قهرمانیه، با آن آگاهی و شعور سیاسی بالا باید اختیار داشتن نبردی از مهمترین مراکز اقتصاد کشور، موظف هستید که با مشکل شدن خود و ایجاد اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت، توان و نیرو و تشکل طبقه کارگر را تقویت و استحکام بخشید.

نمایندگان، از یک طرف به درستی شکست مذاکرات و بی توجهی مقامات را اعلام میکنند، از طرف دیگر به کارگران میگویند، دست به هیچ گونه مبارزه ای نزند. نمایندگان کارگران نفت باید به آنها و به طبقه کارگر و زحمتکش بگویند که کارگران صنعت نفت چه باید بکنند؟ وقتی که مقامات حکومتی به خواسته های کارگران و نمایندگان آنها جواب رد می دهند و آنان را سر میزدند و آزار می دهند، چاره ای جز مبارزه کردن دارند؟

کارگران باید از قدرت کوبنده و عظیمی که در اتحاد کارگران نفت نهفته است و در مبارزات آنها که به شکلهای مختلفی چون اعتصاب، تحمّن، کم کاری، گروگان گیری، تظاهرات، و غیره، تجلّی مادی پیدا میکند، چون سلاح برنده ای بر علیه کارفرما و دولت کمک گرفته و این سلاح را چون شمشیر بالای سر کارفرما و دولت قرار دهند، و آنها را به وحشت اندازند. نه اینکه از این سلاح بر علیه خود کارگران و ترساندن آنها استفاده کنند. نمایندگان قدرت عظیم و کوبنده کارگران را چون شمشیری بالای سر خود کارگران قرار میدهند و کارگران را میترسانند؛ آنها به شیوه تمانی کسانی که تانسون میخواستند از طریق فتوا جلو حرکت مبارزات را متوقف کنند، کارگران را بگیرند. و کارگران را در مقابل بل تمانی سیاستهای ضد کارگری حکومت به سکوت و آرامش دعوت نمایند.

شما در شرایطی دانسته یا ندانسته این فتواها را چاقی برای جلو گیری از مبارزات کارگران کرده اند که دیگر

مضد کارگر شده اند. این گونه موضع گیریهای شماست که حزب توده این خائن شهنشاه به طبقه کارگر، این چاکر در کلاه دشمنان طبقه کارگر را به وجود آورده است. این موضع گیریهای شماست که حزب خائن توده با خوشحالی آنها را "نشانه آگاهی و هوشیاری طبقاتی" شما "و وفا داری کامل شما به انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی"، جا میزند. وظیفه نمایندگان کارگران جلوگیری از مبارزات کارگران و ترساندن آنها نیست بلکه هدایت و سازماندهی و ارتقاء مبارزات کارگران است. نمایندگان کارگران صنایع نفت و گاز و پتروشیمی در پایان اطلاعیه از خود سلب مسئولیت کرده و گفته اند: "کلیشه نمایندگان تهران را ترک و به حضور ما موریت خود رفته و از هر گونه اقدامی نسبت به پیمان جمعی سلب مسئولیت نموده و در انتظار اقدامات بعدی وزارت نفت در این مورد هستیم. ما میبایست نمایندگان و کارگران صنعت نفت را انتظار چه باید بکشید؟

آیا از روزی که هر سگی را کینه به ظاهری علیه امپریالیسم بر میزند، بفرق کارگران و خلقی حاکمیت و سلب انتظاری میتوان داشت؟

آیا از روزی که با تمام قوانین سرکوب کردن و متعل نمودن شوراهای واقعی پرده انحصار به اخراج همه حائز و سراسری کارگران مبارز و انقلابی زده است چه انتظاری میتوان داشت؟

آیا از روزی که برای قرار هم

هستید که با متشکل شدن خود و ایجاد
"اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت"
توان و نیرو و تشکل طبقه کارگران را تقو-
یت و استحکام بخشید.

اگرچه رژیم حاکم تحمل وجود
"اتحادیه های کارگری انقلابی و مبارز"
را ندارد، ولی شما کارگران قهرمان
صنعت نفت، قدرت ایجاد چنین اتحادیه
ای را دارید و باید برای تشکل آن مبار-

ضرورت ایجاد اتحادیه سراسری کارگران صنعت نفت

موضع نمایندگان، علیرغم تمامی
انتقاداتی که بر آن وارد است، حساوی
درک یک ضرورت بسیار مهم، برای کارگر-
ان صنعت نفت و طبقه کارگر میهن ما است.

طبقه کارگر و توده های زحمتکش هیچ خواستهای راتنها از طریق مذاکره
بدست نیامده و نخواهد آورد. طبقه کارگر و توده های زحمتکش در ایران و سراسر
اسرجهان، خواسته های خود را تنها و تنها از طریق مبارزات دلاورانه خود
بدست آورده و خواهد آورد. و حق خود را باز و زور قدرت و مبارزه از حلقم کارفر-
مایان و دولت حامی آنها بیرون کشیده و خواهند کشید.

رزه کنید.

کارگران مبارز صنعت نفت، گما-
پتروشیمی! در شرایط کنونی جامعه ما،
مبارزات طبقه کارگر و به خصوص شما
کارگران دلاور صنعت نفت نقش برجسته ای،
در پیشبرد جنبش انقلابی خلق ما دارد.
طبقه کارگر ایران، باید از مبارزات
ت خلق ما در راستای آن، مبارزات خلق
دلاور کرد. حمایت و پشتیبانی کند و در بر-
داشتن باور سنگین جنگ تحمیلی رژیم
که یکسال است بردوش زحمتکشان گردستا-
ن سنگینی میکند، به آنها یاری دهد.

طبقه کارگر و شما به عنوان بخش
قدرتمندی از آن، باید از مبارزات
دهقانان زحمتکش - این متحدین طبقه -
کارگر - علیه زمین داران و حامیان
حکومتی آنها حمایت و پشتیبانی نماید.
طبقه کارگر و شما به عنوان بخش
قدرتمندی از آن، باید از مبارزات دکه
داران و سایر زحمتکشان شهری فعالان
حمایت و پشتیبانی نماید.

آری! تاریخ، وظایف بس سنگینی
بر دوش طبقه کارگر ایران و شما کارگران
دلاور صنعت نفت به عنوان بخشی از آن نهاد
است. تنها در پرتو، انجام این وظایف
است که طبقه کارگر و زحمتکشان ما خواهند
توانست، برای درهم کوبیدن نظام
ظالمانه سرمایه داری و برقراری حکومت
انقلابی خود، آماده گردند!

به امید پیروزی کارگران و
زحمتکشان!

خطاب به...

آوردن امنیت و شرایط مناسب برای کار-
فرمایان و جپاول گران، سودوییژه
کارگران را لغو میکند و لقمه نان کارگر-
ان را از دهان آنها میدزد و به جیب
کارفرمایان مفت خور میریزد چه انتظا-
ری میتوان داشت؟

آیا از رژیمی که در حرف میگوید:
"همه تفنگها بسوی آمریکا" ولی در عمل
تمامی تفنگها و فشنگها و توپها و
تانکهای خود را به سوی خلق دلاور کرد،
کارگران و دهقانان، دکه داران، دا-
نشجویان و نیروهای انقلابی و کم-
نیست نشانه میرود چه انتظاری میتوان
داشت؟

آیا از رژیمی که مدت یکسال است
خلق دلاور کرد را با تمام قوا میکوبد،
و خانه و کاشانه شان را خراب میکند و
بهترین فرزندان آنها را شهید میکند چه
انتظاری میتوان داشت؟

مسلم است که از چنین رژیمی جز
سرکوب و فریب کاری هیچ انتظار دیگری
نباید داشت.

آیا نمایندگان با سلب مسئولیت
کردن از خود و به انتظا رنشتن، دست رژیم
و مزدوران آنرا برای سرکوب کارگران
صنعت نفت باز نمیگذارند؟ مطمئن باشید
که از همان لحظه خروج نمایندگان
شورای مرکزی از دفتر رئیس جمهوری،
توطئه برای سرکوب کارگران صنعت
نفت پی ریزی شده است! شکست مذاکرات
باید به معنی پایان یک دور مبارزه و آغاز
شکل گیری مبارزات نوین هالی ترکار-
گران دلاور صنعت نفت تلقی شود. در شر-
ایطی که هم اکنون توده های وسیعی از
زحمتکشان در یک مبارزه طبقاتی حاد
مورد سرکوب قرار گرفته اند و خود را برای
مبارزه همه جانبه ترو عالی تری آماده
می سازند، کارگران دلاور صنعت نفت و
نمایندگان آنها نباید نومید شوند، دست
از مبارزه بشویند و به انتظا رنشینند!

نمایندگان بدرستی در اطلاعیه گفته
اند: "کارگران عزیز را متوجه می سازیم
که ضعف کارما، فقدان سازمانهای
متشکل کارگری، اتحادیه ها، سندیکاها
و شوراهاست که ضرورت دارد چه از نظر
حفظ انقلاب و چه از نظر تامین منافع حر-
فهای خود، به آن توجه عاجل و فوری
مبتدول داریم".

بیان این مطلب، از طرف نمایان-
گان نشان میدهد که با تمام موضع گیریها
انحرافی و سازشکارانه ای که در اطلاعیه
منعکس شده است، آنها در فکر منافع
کوتاه مدت و بلند مدت کارگران صنعت
و طبقه کارگر هستند و ضرورت ایجاد
تشکیلات اتحادیه ای قدرتمند کارگری
را به خوبی درک کرده اند.

کارگران دلاور صنعت نفت، گما-
پتروشیمی! شما باید با ایجاد "اتحادیه
سراسری کارگران صنعت نفت"، در جهت
توان بخشیدن به جنبش کارگری و انقلابی
ایران بکوشید.

شما، با ایجاد "اتحادیه سراسری" نه
تنها باید در جهت منافع خود، بلکه برای
تقویت و متشکل کردن کل طبقه کارگر
ایران بکوشید.

شما کارگران دلاور صنعت نفت، با آن سا-
بقه قهرمانیها، با آن آگاهیه و شعور
سیاسی بالا، با در اختیار داشتن نبض یکی
از مهمترین مراکز اقتصاد کشور، موظف

برقرار باد
جمهوری دمکراتیک خلق!



کارگران در حمایت از هم‌زمان اخراجی خود

کارخانه ایرپرسلان رشت:

کارخانه سیمان ری:

بدنبال اخراج ۴ تن از کارگران مبارز کارخانه ایرپرسلان رشت به اتهام اخلاص در امر تولید و تحریک کارگران روز شنبه ۱ شهریور کارگران بعنوان حمایت از رفقای اخراجی خود که بعضی از آنها عضو شورانیز بودند دست به اعتصاب میزنند و خواهان برگشتن همزمان خویش می‌شوند. تلاش مدیرعامل و اعضاء کمیته پاکسازی برای فریب دادن کارگران و وادار کردن آنها به جایی نمیرسد.

ساعت ۲ بعد از ظهر با آمدن کارگران شیفت بعد از ظهر که در حمایت از نمايندگان محکم تربودند، تشکل و مبارزه کارگران جان تازه‌ای میگیرد. مجمع عمومی با شرکت همه کارگران تشکیل میگردد و لی نتیجه‌ای گرفته نمیشود. در این روز، روحیه مبارزاتی کارگران خوب بوده و به جزه انفریقه در اعتصاب شرکت میکنند. روز یکشنبه ۲ شهریور: در اثر ضعف سازماندهی و نبودن رهبری انقلابی و محدودیت در تزلزلاتی در میان کارگران شیفت صبح مشاهده میشود. اما شیفت بعد از ظهر همچنان محکم و استوار و یکپارچه به مبارزه ادامه میدهند. در این روز مدیریت بت بخشنا مدام در می‌کند مبنی بر اینکه فردا باید کار شروع شود و در غیر این صورت حقوق و غذا و سرویس قطع خواهد شد. کارگران تصمیم میگیرند که فردا صبح بدون استثناء در کارخانه حاضر شوند تا تصمیم گیری نمایند.

دوشنبه ۳ شهریور: کارگران، کمیته ای ۱۴ نفره از نمایندگان قسمتهای مختلف تشکیل میدهند تا درباره ادامه مبارزه تصمیم گیری کنند. بقیه در صفحه ۱۰

در پی درگیری میان کارگران کارگاه سیمان ری با سرمهندس کارگاه که باعث اخراج ۵ تن از کارگران شد، اینک مبارزات کارگران ادامه پیدا کرده است. کارگران کارگاه سیمان ری (که یکی از کارگاههای صنایع فلزی ایران است) پس از مرخصی سالانه در ماه رمضان، هنگام بازگشت به کارخانه متوجه میشوند که با همکاری مدیرعامل صنایع فلزی (ملک محمدی) و سرمهندس کارگاه سیمان ری (مهندس منتظر) حکم اخراج ۵ تن از کارگران صادر شده است. این واقعه کارگران را خشمگین کرده و به کمک شورای کارخانه دست به حمایت از کارگران اخراجی میزنند. کارفرما که اتحاد خشم کارگران را میبیند، به شورای پاکسازی سازمان گسترش مراجعه کرده و از آنها میخواهد که شرايين کارگران را از سر و کم کنند. نماینده سازمان گسترش در پی دستورالریاب خود سرعت دست بکار میشود تا برای اخراج کارگران "پرونده سازی" های لازم را انجام دهد. کارگران به این عمل اعتراض میکنند و از او میخواهند که با شورای آنها صحبت کند. اما تا مبرده میگوید با بخشنا مدام اخبر دولت تمام این شوراها - بقبول بنی صدر - مالیده اند. شورای کارخانه پس از شنیدن این حرف تصمیم خود را میگیرد و از کارگران اخراجی میخواهد که به سرکارها پشان برگردند و کارگران نیز چنین میکنند.

فردای آروز (دوشنبه ۲۲ مرداد) مهندس کارگاه نامهای مینویسد و به کارگران اخراجی دستور میدهد که به صنایع فلزی ایران مراجعه کرده و تکلیف خود را با مدیریت روشن کنند. اما اخراجی ها به گونه استیواری چون کارگران متحد سیمان ری و اندو به همین دلیل کماکان بر سر کار نمی‌مانند. روز سه شنبه کارگران به شورا می‌افتند و خودشان مشغول نوشتن نامه‌ای به مدیرعامل و در حمایت از شورای کارخانه میشوند. نامه به سرعت بوسیله کارگران امضاء میشود و ظهر همه جمع میشوند تا تکلیف خود را با آنها یکسره کنند. مهندس منتظر که با غیره را شک میبیند بلافاصله به "کمیته" تلفن میزند تا با سازمان مسلح سکمتی بیاید. ظهر کارگران درنا هار خوری اجتماع میکنند و در میان "مهندس منتظر" میفرستند. مهندس دوم مور مسلح را پشت در می‌کشند. در وقت آمدن کارگران در ناها زخوری میشود. دقیقه ای بالحن آراء صحبت میکنند اما بیش از اینکه بتوانند باز هم نه من غریبم در بیارند، با ترس و عذاب آسای غریبا حق طلبانه یکی از کارگران اخراجی به گوشه‌ای می‌خیزد. کارگران اخراجی سخنرانی پرشوری میکنند و شعله‌های خشم کارگران را بر میافروزد. سرمهندس، ترسان از این خشم کارگران فرار کرده و جایش را به پاسداران مسلح میدهد. پاسداران مسلحی که وارد اجتماع کارگران شده است سرعت در می‌یابد که با چه انبار باروتی طرف است. او و سرعت "جا" میزند و ادعا میکند که "کارگزاران انقلابی نمیشود". و وقتی یکی از کارگران اخراجی سینه‌اش را بر می‌کند و میگوید "داری من ضد انقلاب و از گلوله‌های شما هم ترسی ندارم" پاسدار خود را می‌بازد و سرعت می‌گیرد.

● برای نابودی سرمایه داران صلوات!

کارگران که دشمنان خود را فراری می‌بینند، همچنان در ناها زخوری میمانند و صورت جلسه‌ای تنظیم میکنند و در طی آن به اعمال ضد کارگری کارفرما - که چندین ماه است تکرار میشود - اعتراض کرده و خواستار بازگرداندن کارگران اخراجی و نیز اخراج سرمهندس کارگاه میشوند. یکی از کارگران، تلفنی، وقایع و جریان آمدن پاسداران را به کارگاه سیمان ری را به شورای کارخانه صنایع فلزی اطلاع میدهد. جریان این صحبت تلفنی از بلندگوهای کارگاههای شماره یک و ۲ صنایع فلزی پخش میشود و فریاد اعتراض کارگران در ناها زخواره آسمان میرساند. کارگران دو کارخانه دست از کار میکشند و مادگی خود را برای راهپیمایی بقیه در صفحه ۴

با اتحاد و مبارزه توطئه اخراج کارگران را خنثی کنیم!

بقیه از صفحه ۱

۱۷ شهریور . .

دیگر و روز دیگر، قم، تبریز، کازرون، جهرم و . . . صحنه پر شور ترین و جانباخته ترین مبارزات است اما مبارزه هنوز سمیت و سوی خود را نیاخته بود. شعارها از یکدستی کامل برخوردار نبود و در روی پراکنده و محدود بود. اما ۱۷ شهریور نقطه عطفی در مبارزه ۲ ساله خلقهای قهرمان ما بود. روزی که شعار "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به شعار "مرگ پادشاه" تبدیل شد و تا مرگ و نابودی شاه نیز شعار توده ها باقی ماند. از ۱۷ شهریور به بعد رژیم شاه خائیک روز خوش و راحت ندید و یک روز نبود که خبر از اعتصابات و درگیری های خیابانی در سراسر ایران به گوش نرسد.

موج اعتصابات کارگری و کارمندی سراسر ایران را فرا گرفت، و در پیشانی آن کارگران صنعت نفت که با شعار "کارگر نفت ما مبارز دلیور سر سخت ما" بدرقه میشدند قرار گرفتند. دیگر نه حکومت

نظامی از هاری و نه ۱۳ تان ها و نه ۸ بهمن ها هیچک نمیتوانست خللی در اراده خلق پدید آورد.

حما سه ۱۷ شهریور سرخ، تنها حماسه ۶ شهادت هزاران نفر از مردم قهرمان ما نبود، حماسه ۱۷ شهریور در راه سرخ خود به توده های قهرمان ما نشان داد که "ارتش برادر ما نیست"، "ارتش دشمن ما نیست" و علیرغم جانبازی بسیاری از سربازان ارتش که در آن روز نیز حاضر به شلیک به توده ها نشدند، ارتش ضد خلقی است و توده ما ده است تا با توپ و تفنگ خود و بنبرای حکومت را با ششدها هزار تن را به خاک و خون بکشد. حماسه ۱۷ شهریور به توده ها آموخت که با ارتش مسلح و ضد خلقی باید مسلحانه روبرو شود و گلوله را با گلوله پاسخ گفت اما رهبران انقلاب نه بعد از ۱۷ شهریور بلکه بعد از ۱۴ تان با نه بعد از ۸ بهمن و بعد از بسیاری روزهای خونین دیگر، در حالیکه توده ها فریاد میزدند "رهبران ما را مسلح کنید"، "جهاد و جنگ را به آینده حواله میدادند و با زهم میگفتند" ارتش برادر ما است "آری ارتش

برادر آنها نمیتوانست باشد، اما برادر کارگران و زحمتکشان نه! و دیدیم که چنین نیز شد. اکنون ارتش یا ورونکهدار حکومت جمهوری اسلامی و رهبران انقلاب است و با زهم دشمن کارگران و زحمتکشان و خلقهای قهرمان ایران! حماسه ۱۷ شهریور به توده ها تجارب بسیار آموخت و به آنان نشان داد که انقلاب بنیادین متوقف گردد، توقف انقلاب یعنی حفظ وضع موجود و حفظ آنچه چیزی که انقلاب در اساس برای ما بودی آن شروع شده بود. سازش رهبران و خیانت آنها به توده ها نشان داد که توقف انقلاب یعنی باقی ماندن استثمار و ستم و ظلمی که توده ها برای ما بودی آن بیخاسته بودند.

امروز بعد از ۱۸ ماه تسلط حکومت جمهوری اسلامی این درسهای ارزشمند برای ما اثبات میشوند. درسهایی که توده ها در مبارزات پیگیر خود در راه نابودی نظام سرمایه داری و براندازی استثمار و ظلم و ستم یکا رخواهند گرفت. زنده و جاوید با دیا دشهدای ۱۷ شهریور *

مبارزه و آگاهی توده ها پشتوانه فعالیت نیروهای انقلابی

شدن مردم از رژیم آنقدر افزایش یافته که حکومت نمیتواند منتظر مجلس قانون گذار خود نباشد. و به همین علت موج تعطیل و ممنوعیت فعالیت نیروهای سیاسی شهر به شهر و توسط "قانونگذاران محلی" پیاپی می شود. بهمدان ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی در خرمشهر و آذربایجان و بابل، اینک فعالیتها را نه تنها پیکار، مجاهدین خلق، فدائیان و حتی حزب خائن توده که مداح و کاسه لیس رژیم جمهوری اسلامی میباشد نیز در گران ممنوع شده است. پشتوانه فعالیت گروههای سیاسی و انقلابی و کمونیست مبارزه توده ها بوده و هست. حمایت آنان از دهکده داران دانشجویان فعال در محلات و فروشندگان نشریات انقلابی و کمونیستی که وحشت براندام رژیم و پادشاهانش میاندازد خود مشت محکمی است بر دهان رژیم و تمام قوانین ضد مردمی و ضد موکراتیکش. گروههای سیاسی انقلابی و کمونیست نه در زمان شاه خائن و نه در رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه به پشتوانه قوانین دولتهای سرمایه داری فعالیت نکرده و نخواهند کرد پشتوانه فعالیت کمونیست ها و انقلابیون تنها و تنها قدرت و آگاهی و شکل توده ها است *

به دنبال افزایش فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست و افزایش نفوذ این نیروها در میان مردم، وحشت رژیم نیز روز به روز افزایش میابد و هر روز با عجله و شتاب بیشتری دستاوردهای قیام را که آزادی فعالیت سیاسی و نشر عقاید بوده است با زپس میکشد. رژیم جمهوری اسلامی در پی محکم کردن حکومت خود روز به روز بیشتر در می یابد که نمیتوان هم سرمایه داری وابسته را حفظ کرد و هم آزادی را در جامعه تحمل نمود و فعالیت گروههای سیاسی را آزاد گذارد. این مسئله از همان ابتدای بعد از قیام هم عیان شده بود، آن زمان نیروهای نا آگاه و متوهم را تحت رهبری مزدوران و حزب اللهی های خود به جان نیروهای انقلابی و کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز میافکندند و امروز که توده ها توهم و اعتمادشان را تا حد زیادی نسبت به آنان از دست داده اند، از طریق پادشاهان و مزدوران موتور سواری و جاکش و جماعت قوانین بورژوازی از فعالیت نیروهای انقلابی و کمونیست جلو میکشند. اما بسط فعالیت نیروهای انقلابی و رشد نفوذ آنان در میان توده ها و وکننده

بدستور حاکم شرع و تا تعیین تکلیف از سوی مجلس
دفاتر گروههای سیاسی در بابل
تعطیل شد

از سوی دادسرای انقلاب اسلامی
آبادان و خرمشهر:

**فعالیت مجاهدین خلق
فدائیان خلق، پیکار و
حزب توده در آبادان
و خرمشهر ممنوع
اعلام شد**

فعالیت گروه سیاسی در گرگان ممنوع شد
دانشان انقلاب اسلامی گرگان
فعالیت مجاهدین خلق، فدائیان
خلق، پیکار و حزب توده را تا
تعیین تکلیف آنها از سوی مجلس

مبارزه و آگاهی توده ها پشتوانه فعالیت نیروهای انقلابی

ما برای فعالیت خود فقط به حمایت مردم متکی هستیم
نه قوانین ارتجاعی!

بقیة از صفحه ۱

دیگر چنین فاجعه هولناکی دوباره تکرار نگردد.

این روزها، که طبقه کارگر و تمام زحمتکشان ایران، لحظات پرمخاطره‌ای را میگذرانند، و در میان دود و انقلاب غالب و مغلوب، به پیچیده‌ترین و هوشمندانه‌ترین شیوه‌های مبارزه‌نیاز دارند، ارزیابی مجدد تجربه خونبار کارگران شیلی، در آستانه هشتمین سال اسارت دوباره خود، میتواند متضمن نکات ارزنده‌ای باشد.

● بورژوازی در لباس میث

"شیلی اکنون نخستین ملت در جهان است که تنوع دومی از غذا ریه‌ها می‌میسند" سوسیالیستی را در خود تجسم بخشیده است" پریزیدنت آلنده با این کلمات حکومتی را در سال ۱۹۷۰ آغاز کرد، که سه سال بعد بوسیله کودتایی خونین سرنگون شد و تئورهای خیال‌آفرینانه او را بر ای یافتن راه حل جدیدی که با پیوند بورژوازی را از قدرت پائین آورده و طبقه کارگر را به سوسیالیزم برساند، یگور سپرد.

او که نماینده "اتحاد ملی" و رهبر ائتلاف به حزب سوسیال دمکرات، سوسیالیست و حزب رویزیونیست‌های طرفدار شوروی بود، در حالیکه بر سر راه حیل بحران شیلی، میان طبقه حاکم، اختلاف نظر بروز کرده بود، تنها با ۳۶٪ آراء به پیروزی رسید و رئیس جمهور شد. اما طبقه بورژوازی در شیلی - همچون تمام سرمایه‌داران جهان - کسی نبود که از راه‌های باصلاح دمکراتیک، قدرت را تقدیم این خیال‌آفران کند. کنگره شیلی - این مجمع پر قدرت سرمایه‌داران می‌بایست با انتخاب وی را تأیید کند و بنا بر این سرعت مصالحه‌ای صورت گرفت. به آلنده اجازه دادند قدرت را بدست گیرد بشرطیکه به ترکیب ارتش و سازمان فرهنگی و کلیسا و سایر موسسات مربوط به قدرت بورژوازی دست نزنند. واپسین انسداد دوست‌طرفدار طبقه کارگر (۱) برای تحقق تئوریهایش به تمام این شرطها گردن گذاشت!

اما در کشوری که آلنده رئیس‌جمهور آن شده بود، با معادن مسی که ۹۰٪ درآمد ارزی آنرا تأمین میکرد، و تحت سلطه کامل شرکت‌های امپریالیستی قرار داشت، اینک میبایست شعارهای انتخاباتی "اتحاد ملی" به مرحله اجرا درآید؛ یعنی کردن بخش‌های اساسی اقتصاد (معادن مس، بانک‌ها و کمپانی‌های بزرگ) به لابردن سطح دستمزدها بکارگرفتن تمام ظرفیت‌های شیلی و سرانجام استفاده از منافع حاصل از مس در سرمایه‌داری مجدد صنعتی. آری، برنامهای که میبایست اقتصاد شیلی را



بسی سوسیالیزم رهبری کند، نه فقط کمترین توجهی به دوباره‌سازی مجدد اقتصاد شیلی بر اساس نیازهای اجتماعی نکرد، بلکه کمترین اقدامی نیز که هدف آن قرارداد قدرت اقتصادی درست تولیدکنندگان مستقیم باشد در آن انجام نگرفت. و چنین بود که یک برنامه سرمایه‌دارانه توسعه اقتصادی، به چنین شعارهای زیبا و پرطمطراقی آراسته گشت. و عده‌های واقعی آلنده عبارت بودند از: قدرت خرید بیشتر برای طبقه کارگر، حمله به کمپانی‌ها و انحصارات خارجی و نیاز کردن فضای بیشتر برای سرمایه‌های داخلی. و این برنامه‌ای است که بوسیله رویزیونیست‌ها در سراسر جهان به عنوان یک برنامه انقلابی قلمداد و تحسین می‌شد، و آنرا بقول آلنده، آغاز سوسیالیزم بدون تلفات اجتماعی "مینا میدند" اما این آغاز خوش‌دیری نپایید و علائم بحران سرمایه‌داری دوباره ظاهر شد. جناح‌های مختلف بورژوازی که اختلافاتشان یکی از عوامل پیروزی آلنده شده بود، به‌سازش دست یافتند و بر ای سقوط دولت آلنده دست بکار شدند. در حالیکه دولت آلنده نیز تمام نیروهای موردنیاز آنان (دستگاه دولتی و نیروی نظامی) را دست نخورده باقی گذاشت.

تا اواسط سال ۱۹۷۲، بحران تمام بخش‌های اقتصاد شیلی را فلج نموده و سیاست دولت دچار ناامنی شد. زیرا کنگره که تحت تسلط بورژوازی قرار داشت، قوانین پیشنهادی دولت "اتحاد ملی" را نمی‌پذیرفت و قسوه قضائیه نیز از تأیید تصمیمات دولت سرپیچی میکرد. در زمینه‌های مختلف اقتصادی بشدت کمبود وجود داشت. زیرا سرمایه‌داران داخلی از یک طرف

کا لاهای ضروری را احتکار میکردند و از طرف دیگر هواداران خود را برای اعتراض جمعی علیه بحران بسیج مینمودند. و بعلاوه محاصره اقتصادی از جانب امپریالیسم آمریکا خانه ملی، عملاً از ارز خارجی تهی شده بود.

در اکتبر سال ۷۲ طبقه بورژوازی اولین تعرض خود را آغاز کرد. به این معنی که مغازه‌داران، کامیونداران، باحیان جرف و صنایع دست به اعتصاب زدند. اعتصاب بخصوص امر توزیع را فلج کرد. کارگران که حکومت را از خود میدادند، بسرعت دست بکار شدند تا اعتصاب را در نطفه خفه کنند. آنها میخواستند مغازه‌ها را باز کرده، کامیون‌ها را و اما دره کرده و کارخانجات را تصاحب کنند. اما آلنده و حزب رویزیونیست شیلی که میخواستند راه حل‌های "ویژه" خود را ارائه دهند و حقانیت تئوریهای سازشکارانه خود را ثابت کنند، بیش از در مقابل خواست کارگران ایستادگی کردند و در عوض، چند روزی پس از شروع اعتصاب کامیونداران، سیزده ایالت اصلی کشور تحت حالت اضطراری قرار گرفتند و به این ترتیب زیر کنترل مستقیم نظامیان جنایتکاری درآمدند که سه سال بعد با یک کودتا، دست به گستاخ و کشتار کارگران و زحمتکشان زدند.

همزمان با چنین اقداماتی، دولت کارگران را از شرکت در مبارزات سیاسی باز میداشت و آنها را تشویق مینمود که سهم آنها در خاتمه دادن به اعتصاب کامیونداران اینست که "مبارزه برای تولید بیشتر" را سازمان دهند.

نتیجه بلافاصله چنین سیاستی، محمور کردن کارگران در کارخانجات

مسلح شدن کارگران و زحمتکشان تنها راه مقابله با کودتا است!

کودتای شیلی ...

و شرکت فعالانه نظامیان جلا در کار بینه و در عرصه سیاسی شد. این امر نمایانگر پیروزی چشمگیری برای سرمایه داران آن ضد انقلابی بود. ولی حکومت آلنده و "اتحاد ملی" سعی بر آن داشتند که استرا را در نظر رتوده ها بصورت پیروزی مهمی برای خود و مردم در بدست آوردن پشتیبانی نظامیان قلمداد کنند!

آری، آلنده و دارو دسته اش، تمام حواس خود را متوجه انتخاب آئینده کرده بودند. در کار بینه، آنها از یکطرف کارگران را از صحنه مبارزه خارج میکردند و از طرف دیگر با وارد کردن ژنرالهای جنایتکار به خیال خود میخواستند آنها را بی خطر کنند.

در این میان کارگران هوا دار اتحاد ملی (عمدتا هوا داران حزب روبریو- نیست شیلی و غیره...) از کارگران دیگر مصرا نه میخواستند که برای مقابله با امپریالیسم تولید را بالا ببرند. اوسیا ست و مبارزه برای کسب قدرت را بینه

"نمایندگان" خود در برابرمان بسیارند!! از این رو، در حالیکه بورژوازی، که در مورد دولت و جنگی مبارزه برای کسب کامل قدرت سیاسی خود، کمترین توهمی نداشت، خود را برای مبارزه آماده میکرد و نیروهای خود را سازمان میداد، کارگران آن در مقابل سیاست های سازشکارانه ای که از جانب رهبران نشان بر آنها تحمیل میشد، سردرگم بودند و خود را با بالابردن تولید سرگرم میکردند.

"اتحاد ملی"، استراتژی سیاسی خود را بر پایه انتخابات بنا کرده بود و معتقد بود که در صورتیکه ائتلافشان اکثریت پارلمانی را بدست آورد، آنها به "قدرت" خواهند رسید.

پیروزی انتخابات ماه مارس ۱۹۷۳ فرصت جدیدی بود که یکبار دیگر بلاهت شئوری های سازشکارانه آلنده را بینه شیوت برساند.

پس از پیروزی در انتخابات، کارگران که در بنوعی وجود آوردن این موفقیت نقش درجه اولی داشتند، سر مست از این پیروزی، یکبار دیگر دست به تعرض زدند و ما هیت ضد سرمایه داری خود را بر ملا کردند و تقاضای کارگران برای ملی کردن هر چه بیشتر صنایع اوج تازه ای گرفت. در حالیکه گسترش هر چه بیشتر تورم چهره کریمه سرمایه داری را به نمایش گذاشته بود، کارگران بار دیگر متوجه شدند که قدرت خریدشان به سالهای هفتاد دتنزل است. از این رو اعتصابات، اشغال و تصرف کارخانه ها با شدت روز افزونی ادامه یافت.

"اتحاد ملی" روش بسیار خصمانه ای مقابل اعتصابات بخود گرفت. مبارزه "مجموعات برعلیه مسائل اقتصادی" عفا شد و گاهی با اشکال مستقیمی از حوب توده ها همراه بود. کابینه "اتحاد ملی" و ژنرالها، در هر کجا که آنان داشتند کارخانجاتی را که در طی اکثریت بوسیه، کارگران تصاحب بودند، به صاحبان اصلی شان برگرداند. در این مورد سیزده کارخانه، الکترو کی آمریکا نمونه خوبی است. (۱) در همین زمان، اتفاقی بسیار مفرقیتی رخ داد و آن، اعتصاب معدنچیان

"ال تینت" بود. معدنچیان مس و کاکرگز- ان معادن ذغال سنگ، از تمرکز- یافته ترین کارگران شیلی هستند. در ماه سپتامبر ۱۹۷۰ آلنده با اکثریت در صند آراء انتخاباتی خود را از همین مناطق بدست آورد. بطوریکه در سه مرکز اصلی معادن مس، که یکی از آنها "ال تینت" بود، بیش از ۶۰ تا ۸۰ درصد آراء متعلق به آلنده بود، در حالیکه در سطح ملی تنها موفق به کسب ۳۳٪ آراء شده بود. در جریان اعتصاب اخیر، آلنده دورا در پیش داشت،

در طی یک ماه پیش از کودتا، آلنده و یارانش از سیج کارگران جلوگیری کردند و از ترس از دست دادن کنترل اوضاع سلاح های خود را در سرداب ها و زیرزمینها مخفی کردند. زمانی که کارزار گذشت از کارگران دعوت کردند که با دست خالی به جنگ توپ و تانک و مسلسل بروند. با اینحال، کارگران حتی با دست خالی نیز جانبازی های قهرمانانه ای کردند. آنها با دستهای خالی در مقابل یک ارتش مدرن به مقاومت برخاستند و علیرغم نداشتن یک سازمان منظم، تا چند روز بعد از کودتا با دلاوری بی نظیری می جنگیدند.

با حمایت از درخواست کارگران و با پشت کردن به آنها، و آلنده راه دوم را برگزید. پنج روز پس از اعتصاب، حزب روبریو- نیست شیلی و حزب سوسیالیست به اعضای خود در معدن دستور دادند که به سرکار باز گردند. آنگاه "اتحاد ملی" مبارزه کشیفی را علیه معدنچیان مس وجدا کردن آنها از سایر کارگران شروع کرد و آنان را "کارگران شرافتی" نامید و کوشید بقیه کارگران را بر علیه آنها بسیج کند. اما معدنچیان قهرمان تسلیم نشدند. سوسی روز پس از آغاز اعتصاب، سرانجام بورژوازی یکبار افتاد که از این اوضاع رها کار را نشه بهره برداری کند و از این رو، از اعتصاب پشتیبانی کرد.

در ماه ژوئن، معدنچیان "ال تینت" به سوی سانتیا گورا افتادند تا تقاضای ملاقات و گفتگویی را با آلنده بنمایند. اما حکومت دیگر حاضر بهایش را کرده بود. پلیس ضد اغتشاش با کارگران روبرو شد و با شدت هر چه متراش آنها را سرکوب کرد. در همین روزها بود که کودتای نافرجام ۲۹ ژوئن انجام گرفت. کودتایی که بورژوازی تمایل زیادی به آن نداشت و شت و گروههای راست افراطی حمایتش میکردند.

در هنگامیکه معدنچیان "ال تینت" بطرز وحشیانه ای به خاطر درخواست افزایش دستمزدها سرکوب میشدند آلنده پیشنهاد عاجلی را تقدیم کنگره نمود که بموجب آن حقوق نیروهای مسلح به نحو بسیار زیادی افزایش می یافت. در واقع آلنده امیدوار بود که با این سیاست زیرکانه (۱) حمایت نیروهای مسلح را جلب نماید.

اما سازشکاری به همین جا ختم نشد. آلنده درست با نزده دقیقه پس از کودتای نافرجام و پس از تماس با فرماندهی نیروهای مسلح، دعوت قبلی خود را مبنی بر اینکه کارگران به خیا با آنها بیزند و با دست خالی کودتا را سرکوب کنند، پس گرفت و اظهار داشت که کارگران با پس "نسبت به روح میهن پرستی نیروهای مسلح ایمان داشته باشند" غروب همان روز، وقتی توده های

مردم در اطراف کاخ ریاست جمهوری جمع شدند، آلنده آنها را وادار کرد که برای فرماندهان ارتش و نیروی دریایی - این طراحان آئینده کودتا - کتب بزنند. و چنین شد که ارتش کارکنان کودتای واقعی و پیروز متذخر بود. آغاز کرد و بورژوازی این امکان را برای خود حفظ کرد که نه فقط زمان و شرایط مورد قبول خود را در تمام این سه سال تحمیل کند، بلکه زمان پیکار آنها بی و قطعی را نیز خودش معین نماید!

کسیکه از توده ها بترسد، پناهگاهی جز آغوش بورژوازی ندارد

از روز ۲۹ ژوئن به بعد "اتحاد ملی" متوجه شد که تنها نقطه امیدش برای ماندن بر سر قدرت کسب موافقت حزب دموکرات مسیحی این حزب سرمایه داران را الوصف بود. آری آلنده از ترس کودتا به کودتا چنان متوسل شد، و برای اینکه بهترین شیوه، توجه المصلحه قسرا دادن کارگران بود. در تمام کارخانجات ملی شده، مدیران دولتی، کارتوانید را متوقف کردند و کارگران برای رویا رویی با "آخرین کودتای نظامی" شروع به تهیه مهمات جنگی و ساختن سلاح کردند. "اتحاد ملی" از این کار همدی جز ترس - نیدن حزب دموکرات مسیحی و وادار کردن آن به قبول قرارداد با "اتحاد ملی" نداشت. دلیل واضح این امر، دستشان خالی طبقه کارگر شیلی در روزهای پس از کودتا است.

در مارس ۷۲، آلنده حتی تقاضای مقدار زیادی مهمات و اسلحه نمود. اما بجای اینکه این اسلحه میان کارگران توزیع گردد، روز پس از کودتا، در زیر زمین کاخ ریاست جمهوری و منزل شخصی آلنده پیدا شد. در همین زمانها، حزب روبریو نیست شیلی هم در اجرای همین نمایش سروصدا ی زیادی راه انداخت و با پیش کشیدن مسئله "جنگ داخلی" کوشید تا حزب دموکرات مسیحی را بترساند. ندوبه مصالحه وارد اما هفه میتوانستند بفهمند که این ها بهیوی روبریو نیست ها خیلای بیش نیست، زیرا بدون توده های مسلح چگونه میشود از جنگ داخلی صحبت کرد؟

آلنده، روز ۲۵ ژوئیه در یک سخنرانی برای نمایندگان کنگره و احکار کارگران نیات ضد کارگری خود را برملا میسازد. او

کودتای شیلی ...

در این سخنرانی اعلام میکند که مقصد جلوگیری از جنگ داخلی با حزب دموکرات مسیحی و وارد مذاکره شده است. آئند در ست چهل و پنج روز پیش از کودتا، هنوز معتقد است که مشکلات اساسی کشور ناشی از تقاضای زیاده از حد کارگران برای از دنیا دستمزدها (۱۰۰٪) و نیز تملیات آنها

آئند، درست چهل و پنج روز پیش از کودتا، هنوز معتقد است که مشکلات اساسی کشور ناشی از تقاضای زیاده از حد کارگران برای از دنیا دستمزدها (۱۰۰٪) و نیز تملیات آنها برای دخالت در تصرف و کنترل کارخانه است!

ای دخالت در تصرف و کنترل کارخانه است. در این سخنرانی او افکار بنیادینش را برای کارگران شرح میدهد و سیاست سخت و شدیدی را در مورد دستمزدها اعلام میکند. علاوه بر اینها او از اقدامات ارتش برای خلع سلاح مردم حمایت میکند و رعایت "قانون کنترل اسلحه" را به کارگران توصیه مینماید. او در این سخنرانی همچنین آخرین پرده های حجب و حیا را دریده و اعلام میکند که "نهضت انقلابی چپ" به احتمال زیاد با "سیا" همکاری میکند. آری او در کنار دیگر یارانش، رویزیونیست ها، سوسیالیست ها و یوزوهای دیگر، آخرین پیوندهایش را با طبقه کارگر میبرد و آب پاکی بروی دستانشان میریزد.

پس از این سخنرانی، کارگران آشفته و سردرگم، به کارخانه ها برمیگردند. آئند با رهبران حزب دموکرات مسیحی وارد مذاکره برای تقسیم قدرت میشود و در نتیجه قانون کنترل اسلحه با خونسردی بازرسی کارخانجات و مزارع مشغول میگردد. در همین زمانهاست که کارمندان کارخانجات و نقل را بکلی مختل میکنند، مغازه داران و کسبه کرا را به اعتصاب دست میزنند، کمبودها صورت وخیم تری میباید و کشور عملاً فلج میشود.

در واسطه ماه اوت، هواداران بورژوازی با ترتیب دادن تظاهرات متعددی استعفای آئند را میخواهند. قشربهای وسیعی از طبقه متوسط صریحاً تقاضای کودتا میکنند و حزب دموکرات مسیحی از مبارزات آنها حمایت میکند.

اوایل سپتامبر شدت مبارزه به اوج خود میرسد. در این روزها تظاهرات عظیمی از جانب رزبان بورژوا و خرده بورژواهای مرفه صورت میگیرد و آنان خواستار استعفای آئند میشوند.

روز ۲۵ اوت، پس از استعفای فرمانده کل ارتش، آئند طی حکمی ژنرال آگوستو پینوشه رهبر کودتا چپان را فرمانده کل ارتش میکند و به این ترتیب زمینه سازی کودتا بوسیله آئند و یارانش تکمیل میشود.

کودتا!

صبح روز یکشنبه سپتامبر، عملیات کودتا آغاز میشود. ابتدا وزیر دفاع آئند بوسیله نظامیان بازداشت میشود و هجوم نظامیان شکل آشکارسازی

بخود میگیرد. آئند پس از شنیدن این اخبار، طی یک پیام رادیویی بسادگی اعلام میکند که "درواپار زومشکلاتی بروز کرده است". در این پیام از مردم خواسته میشود که خونسردی خود را حفظ کنند و "منتظر عکس العمل سربازان میهن پرست باشند". اینبار حتی از کارگران خواسته نمیشود که کارخانه ها را اشغال کنند بلکه برعکس از انسان درخواست میشود که "اجازه ندهند قتل

عام شوند". پس از این نطق "قهرمان" پوشالی مطابق معمول کوشش میکند تا مشکلات را از طریق مذاکره حل نماید. او فرماندهان ارتش را به کاخ خود دعوت میکند، اما هیچ کدام در جلسه حاضر نمیشوند. لحظاتی بعد خبر میرسد که کاخ ریاست جمهوری هدف بمباران کودتاجی ها است. از این لحظه به بعد مقاومت این "قهرمان" پوشالی و دارودسته اش برای مقابله با نظامیان، صحنه هایی را بوجود میآورد که بعدها داستانهای شاعرانه ای از آن ساخته شده است. در این میان، رویزیونیست ها در مسابقه ای با تمام لیبرال های رقیب (قلب جهان، همواره برنرسیده، این مسابقه بوده اند).

در حقیقت رفتار آئند که مانند یک قهرمان در کاخ موند میمیزد، همواره بصورت اسطوره مقدسی بوسیله لیبرالها و رویزیونیست ها ترسیم شده است. آنها به این طریق میخواهند هر گونه اشاره ای به این سال را که سرشار از سیاستها و عملکردهای فریبکارانه و ریاکارانه آئند و دوستانش بوده و منجر به شکست فجیع طبقه کارگر شیلی گردید لاپوشانی کنند و بخصوص رویزیونیست های خائنی را که همواره مشوق این جاه طلبی خیال با فانه تاریخی بودند، تطهیر نمایند. آنها هنوز هم میکوشند تا از مرک شرافتمندانه آئند، دستاویزی ساخته و او را چون یک انقلابی، یک مارکسیست آزاده، در حالی که مسلسل دردست دارد و بر علیه فاشیسم، میجنگد، نشان دهند.

اما حقیقت آنست که آئند تا آخرین روزهای خود یک بورژوا اصلاح طلب

بعد از کودتا در تمام کشور مهمترین صحنه های نبرد، کارخانه ها و مناطق آلونک نشین بود. نظامیان بیش از هر کس از کارگران و زحمتکشان انتقام گرفتند، زیرا آئند خود را در گرو تسلیم آنان می دیدند.

در برن داشت. توده هایی که به وی اعتماد کرده بودند، توده هایی که به حال خود رها شده بودند، او هیچ گاه همدوش و دست در دست کارگران و زحمتکشان به مبارزه برخاست، بلکه تا آخرین لحظه زندگی خود، آنها را به خاطر "مصلحت گرایشی اقتصادی"، "چپ گرایی افراطی" و "تجزیه طلب بودن" بپاد حمله میگرفت. با وجود این، همین کارگران بودند که تلاش جانبا زانه ای کردند و خواستند دولت آئند را نجات دهند.

در طی یک ماه پیش از کودتا، آئند و یارانش، از بسیج کارگران جلوگیری کردند و از ترس از دست دادن کنترل اوضاع، سلاح های خود را در سرداب ها و زیر زمین ها مخفی کردند و زمانی که کارگران از گذشت از کارگران دعوت کردند که با دست خالی به جنگ توپ و تانک و مسلسل بروند. با اینحال، کارگران حتی با دست خالی نیز جانبازی های قهرمانانه ای کردند. آنها با دست های خالی در مقابل یک ارتش مدرن به مقاومت برخاستند و علیرغم نداشتن یک سازمان منظم، تا چند روز بعد از کودتا با دلاوری بی نظیری جنگیدند. وقتی کارگران کارخانجات، پرچم سفید بالا میبردند و تسلیم میشدند، نظامیان وارد کارخانه میشدند و نگاه همه کارگران را در حیط به خط میکشیدند. سپس آفری "کسانسی" را که مقاومت کرده بودند، انتخاب میکرد و دستور میداد آنها را جلوی چشم رقیب خود به گلوله ببندند. بعد از زکودتا در تمام کشور مهمترین صحنه های نبرد، کارخانه ها و مناطق آلونک نشین بود. نظامیان بیش از هر کس از کارگران و زحمتکشان انتقام گرفتند، زیرا آئند خود را در گرو تسلیم آنان میدیدند.

و به این ترتیب بود که همان هفته اول مقام های وزارت دفاع آما رکشته شدگان را دوازده هزار نفر اعلام کردند.

مبارزه طبقه ای در ایران، آپیک هر روز عرصه وسیع تری را میپوشاند، عمیق بیشتری میگردد و بحران را فزونی میبخشد. طبقه کارگران ایران، برای راهشایی در این عرصه بهناور، تجارب گرانیهایی از مبارزات پرولتاریای جهانی را میتواند دوباره یاد مورد توجه قرار دهد.

هنوز بیش از یکماه از کودتای نافرجام مزدوران امپریالیسم آمریکائی نگذشته است و هنوز سخنان بنی صدر در

فردای کشف توطئه کودتا از خاطره ها نرفته است که چگونه ارتش را مسئول کشف این توطئه قلمداد کرد و نظامیان چکمه پوش شاه را "میهن پرست و اسلامی" نامید.

حکومت جاسوسی سرمایه داران، با حفظ ارتش مزدور و آمریکایی و مواظبت از ما شین دولتی سرمایه داری وابسته، با هاپیجوی غوامفریانه ای میکوشد تا پاره ای اختلافات خود را با امپریالیست ها،

بقیه ر صفحه ۱۴

باقی ماند. آخرین گفته های وی، کسه بطور رسمی خطاب به مردم ایراد شد، حتی یک جمله برای هدایت توده ها

* - همین چند وقت پیش فیلمی بنام "کودتا" در سیمای جمهوری اسلامی نشان داده شد که نمونه روشنی از وقایع شیلی را بروایت رویزیونیست ها نشان میداد. آنها این دن کیشت را همچون قهرمانی تصویر کردند که سرانجام در مبارزه دلاورانه ای (۱۰۰٪) با چکمه پوشان آمریکایی، به شهادت رسید.

بقیه از صفحه ۵

کارخانه ایرپرسلان...

این کمیته بعد از مدتی بحث و گفتگو به این نتیجه میرسد که به علت عدم هماهنگی و نبودن رهبری واحد، ادامه اعتصاب به شکست خواهد انجامید و بهتر است اعتصاب موقتاً تمام شود و مذاکره با هیئت پاکسازی و مدیریت دنبال گردد. تا در این میان کارگران دستمزد خود را بگیرند بر اساس تصمیمات کمیته موقت قرار میشود:

۱- مدیریت با هیئت منتخب کارگران برای مذاکره با هیئت پاکسازی همکاری لازم را بکند.

۲- اگر تا یکشنبه ۹ شهریور دلائل کافی برای اخراج کارگران ارائه نشود کارگران دست به اقدام شدیدتری خواهند زد.

۳- تا بازگشت و روشن شدن تکلیف کارگران آخر اجی (که عده ای از آنها نما بکده شورا بودند)، کمیته موقت، تمام وظایف شورا را بعهده بگیرد.

از جمله دلائل کمیته برای پایان دادن موقت به اعتصاب، عدم حمایت کارگران سایر کارخانجات بود. و اینکه اگر در سایر کارخانجات نیز به این ترتیب کارگران مبارز و انقلابی اخراج شوند لازم است کارگران چندین کارخانه متحداً اقدام نمایند.

تجربه ناموفق، اعتصاب نامحدود کارگران کارخانه کف کار برای حمایت از کارگران اخراجی که بدون نتیجه به پایان رسید و روحیه کارگران اثرات منفی گذاشته بود، نیز در تصمیم گیری کمیته موقت تاثیر بر پایان دادن موقت به اعتصاب موثر بود.

اگرچه کارگران شیفت بعد از ظهر با شکستن اعتصاب مخالفت داشته و آنرا برابر با اخراج قطعی نمایندگان و کارگران اخراجی میدانستند، ولی در کل کارگران تصمیم به کار میگیرند. آنها تصمیم میگیرند این بازگشت به کار همراه با کم کاری باشد تا با پایبستن آوردن سطح تولید، از این طریق نیز مدیریت را تحت فشار بگذارند.

در این روز چند بار مجمع عمومی

گذاشته میشود و هنگامی که مدیرعامل به اعتراضات کارگران پاسخ میدهد، کارگران او را هم میزنند. همچنین یکبار بخيال خبر و رویداداران، کارگران بسوی دروازه میشوند. ولی پاسداران دوری زده و میروند.

در مجموع روحیه مبارزاتی کارگران خوب بوده است.

تشکیل کمیته موقت یکی از اقدامات برجسته کارگران کارخانه ایرپرسلان در این حرکت مبارزاتی است. در شرایطی که عده ای از نمایندگان مبارزشور اخراج شده اند، و در شرایطی که عده ای از نمایندگان باقی مانده شورا در خود تر لزل نشان میدهند و در واقع کارگران بدون رهبری مانده اند، تشکیل کمیته موقت رهبری، از ضروریات حتمی ادامه مبارزه کارگران است. و کارگران ایرپرسلان به خوبی به این ضرورت پی میبرند از نکات دیگر این حرکت مبارزاتی کارگران، تشکیل مرتب مجمع عمومی است.

تشکیل مرتب این مجمع های عمومی با شرکت تمامی کارگران، کمک میکند، تا توده های کارگر مرتب در جریان مسائل قرار بگیرند. و تا مدتی لازم برای ادامه حرکت مبارزاتی را داشته باشند. ضمن اینکه با تشکیل این مجمع عمومی پیشروان و رهبران کارگران امکان پیدا میکنند، از نظرات و روحیات توده های کارگر با اطلاع شده، و تصمیمات خود را هر چه دقیق تر تنظیم نمایند.

همچنین تشکیل مجمع عمومی با شرکت کارگران شیفت صبح و بعد از ظهر از حرکت های درست کارگران بود. با توجه به عدم هماهنگی و جدایی کارگرانی که در شیفت های مختلف کار میکنند، معمولاً کارفرما سعی میکند از این مسئله استفاده کرده و بین کارگران دوشیفت تفرقه و جدایی بیاندازد، و از آن برای شکستن یک اعتصاب و یک حرکت مبارزاتی کارگری سوء استفاده نماید. در کارخانه های بی که شیفتی هستند بلافاصله بعد از اقدامات ضد کارگری کارفرما نظیر اخراج کارگران، کارگران شیفت های مختلف با یکدیگر برای دست زدن به یک حرکت مبارزاتی در شیفت صبح، مجمع عمومی گذاشته و تصمیم

ت مشترک بگیرند و بدین ترتیب بروحدت و همبستگی و توان مبارزاتی خود بیاورند.

در رابطه با اخراج کارگران و نمایندگان مبارز مسئله ای که مطرح است حمایت و اقدامات همه جانبه برای بازگرداندن آنها به سرکار است. اما در این مورد به یک مسئله باید توجه داشت و آن شرکت فعال توده کارگر و جلب آنها برای حمایت و اقدامات همه جانبه برای بازگرداندن کارگران اخراجی است.

در شرایطی که توده های کارگر آماج کی دهنی لازم برای شرکت فعال در مبارزه را دارند بدین خواست و تا مدتی پیشروان آگاه و توده ها تضادی وجود ندارد و میتوان دست به اقدامات لازم مثل اعتصاب، تحن، کروگان گیری، تظاهرات و راهپیمایی، کم کاری و... برای حمایت از کارگران اخراجی و بازگرداندن آنها کرد.

ولی در شرایطی که توده های کارگر، یا اکثریت آنها تا مدتی لازم را برای شرکت فعال در حرکتی مبارزاتی مثل اعتصاب را ندارند، پیشروان آگاه نباید خود و یا همراه با بخشی از کارگران دست به اقداماتی نظیر اعتصاب بزنند. چرا که مسلماً حرکت آنها باعث ایجاد تفرقه میان کارگران گردیده و به شکست مواجه خواهد شد. در چنین حالتی وظیفه کارگران پیشرو مبارز اینست که با فعالیت علنی و مخفی خود با دنیا علاقه میهن تراکت و بحث راه انداختن و کوشش برای تشکیل مجمع عمومی و ایجاد صندوق تعاونی کمک به کارگران اخراجی، از یکطرف، جو شکوت و اختناق و بی تفاوتی که کارفرما میخواهد بعد از زهر اخراجی بر کارخانه حاکم کند را بشکنند و از طرف دیگر با این گونه فعالیت، توده های کارگر را آگاه نموده و به حمایت از کارگران اخراجی جلب نمایند. نمونه درخشان چنین تاکتیکی را کارگران مبارز و آگاه در پتروشیمی شیراز انجام دادند. آنها بدنبال اخراج یک نفر از کارگران، آن چنان تبلیغات و افشاگری بر علیه هیئت پاکسازی و برای بازگرداندن کارگر اخراجی در سطح کارخانه راه انداختند،

بقیه از صفحه ۱۱

در جریان مراسم یادبود
رفقای شهیدبرادران میرشکا-
ری ۲۲ تن از انقلابیون ومبارز-
ین در کرمان دستگیر شده اند و جان
و تن آنان بنام مهندس
امین عدالتی "و" حمیدوریزا-
ه" در خطر است.

حزب خائن توده دست سازشکاران را رومیکند!

چندی است که سازمان چریکها (اکثریت) رسالت حزب توده را در تنه زدن و افترا بستن به نیروهای انقلابی - بخصوص در کردستان - در پی گرفته است و از هر دستاویزی برای این منظور استفاده میکند. اگر تا دیروز تنها حزب توده رسالت اتهام زدن به کومه له و سایر گروههای کمونیست کردستان و سراسر ایران را به عهده داشت، امروز سازمان چریکها (اکثریت) میکوشد تا با سند و مدرک ثابت کند که کومه له از حزب فاشیست و بعث عراق ای شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد کمک میگیرد، سازمان چریکها اکثریت که یکسره به جنبش خلق کرد و کارگران و زحمتکشان سراسر ایران پشت کمر سندی که در ("خبر" شماره ۳۲ به تاریخ ۵/۵/۵۹) چاپ کرده با شخصی به نام "حامد بیک" "مباحثه میکند و از پاسخهای او نتیجه میگیرد که او با شیخ عزالدین حسینی و کومه له رابطه داشته و عزالدین حسینی و کومه له نقش "با رزانی" "مخلوق و ضد کرد را در کردستان بازی میکنند". اما تحریفات سازمان چریکها (اکثریت) که توسط شیخ عزالدین حسینی افشاء شده و سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نیز آن پاسخ داده است، اینک از سوی رویزیونیستهای ضد خلق حزب توده ب ملا گشته است.

رویزیونیستهای حزب خائن توده که بعد از انشعاب جناح توده حزب دموکرات دست به افشاگری علیه قاسملو و حزب دموکرات زده اند، همکاری ها وسیله های مشترک سازمان چریکها (اکثریت) که به تازگی "در پی موضعگیری های مثبت اخیر" مورد تقدیرانه توده ای ها قرار گرفته، ناراحت شده و ثابت میکنند که آن مزدور بعث عراق با حزب دموکرات نیز رابطه داشته است! (رجوع کنید به "نامه مردم" شماره ۳۱۵ یکشنبه ۲ شهریور ۵۹) در سند ارائه شده توسط سازمان چریکها (اکثریت) از مجم سئوالاتی که از حامد بیک پرسیده شده است ۳ سؤال چاپ نشده و سئوالات شده از شماره ۲۴ آغاز شده است. زیرا آن سه سؤال اول رابطه حامد بیک را با حزب دموکرات نشان میدهد، که بعثت روابط دوستانه سازمان چریکها (اکثریت) با حزب دموکرات، سازمان چریکها اکثریت آن را چاپ نمیکند. در واقع سازمان چریکها (اکثریت) نه تنها در افشای "وابستگی نیروهای انقلابی و کمونیست منطقه به توده ها دروغ گفته است، بلکه با پنهان کردن وابستگی رهبران حزب دموکرات به بعث عراق، نشان داد است که دشمنی اش نه با نیروهای استکبار با حزب بعث رابطه دارند، بلکه نیروهای استکبار علیه آن ها و هیئت حاکمه پیگیرانه مبارزه و مقاومت میکنند.

رابطه حزب دموکرات کردستان با حزب بعث عراق بر کسی پوشیده نیست و سازمان چریکها اکثریت تنها به علت نزدیکی مواضع سیاسی با شکارانه و اپورتونیستی خود و برای مقابله با نیروهای انقلابی منطقه با دموکراتها دست بیعت داده است. و دومین بیانیه مشترکشان نیز که مشا از روح سازشکاری و فرصت طلبی نسبت به هیات حاکمه جمهوری اسلامی ایران، بیازگی چاپ و پخش شده است.

آری! سازمان چریکها (اکثریت) که در جریان رشد مبارزه طبقه بیک روزمندگان

در پیشگاه خلق کرد سازشکاری محکوم است!

اخبار کوتاه ۱۱

شدن این طرح بعثت تبعیضات این طرح باعث اعتراض و زاحاصل از آن، اعتراض عده ای از رت کار شده است. وزارت کار کارگران را برانگیخت، هما - در نامه ای به مدیریت گفته منظور که عده ای را نیز راضی است: "اعمال شما با توجه به جو کرد. این طرح میبایست از سال منطقه برخلاف احکام شورای ۵۸ اجرا گردد که از سال ۵۹ اجرا انقلاب است!" و مدیریت است شده و قرار بوده هیاتی از تهران در جواب گفته است "ما این به کارخانه آمده و از کارگران عمل را برای جلوگیری از اعتراض بخواه داین حقوق عقب افتاد - اضافات کارگران انجام ده را به دولت ببخشند!! اجرای داده ایم!" *

مراسم یاد بود

رفیق تقی شهرام



جاودان باد

خاطره

رفیق شهید

تقی شهرام

بمناسبت چهلمین روز شهادت کمونیست انقلابی رفیق شهرام - مراسمی از طرف سازمان های - انقلابی و کمونیست در گورستان بهشت زهرا برپا گردید.

این مراسم با خواندن سرودهای انقلابی و ارسال پیامهایی از طرف سازمان پیکار، هواداران سازمان روزمندگان، وحدت انقلابی، راه کارگران، نوادهده شهدای سازمان چریکهای فدایی خلق، پدر رفیق شهرام و... همراه بود.

مراسم با سرودای رفیقان و اعلام یک دقیقه سکوت برای بزرگداشت خاطره رفیق شهرام آغاز شد و با پیام پدر رفیق شهرام به پایان رسید.*

بقیما از صفحه ۱۰ کارخانه ایرپرسلان...

که هیئت پاکسازی را مجبور به عقب نشینی نموده و علاوه بر اینکه دستش را برای اخرجهای بعدی بستند حتی مقدمات برگرداندن کارگران را نیز فراهم نمودند.

از نکات برجسته دیگر حرکت مبارزه اتی کارگران ایرپرسلان نقش فعال و پیشرو کارگران زن این کارخانه بود. کارگران زن این کارخانه از پایه های محکم و استوار در حمایت از کارگران اخرجی بودند.*

در آبادان

حمله به مجاهدین و حمایت مردم!

بعد از فتوای حاکم شرع خوزستان مبنی بر ممنوعیت فعالیت گروههای سیاسی در آبادان و خرمشهر، حزب الهی ها و مزدوران حکومتی به چادر "فروش خواربار" مجاهدین در آبادان حمله کردند. در این چادر مجاهدین یک تعاونی درست کرده و اجناس را به قیمت مناسب به مردم محل میفروختند قبل از آنکه در کنار آن چادری به اسم "تعاونی امام خمینی" زده و از آنجا مردم را بر علیه مجاهدین تحریک میکردند. اما این تحریکات کمترین اثری در مردم محل نداشت.

با اواخر ساعت ۲/۵ شب ۳۰ مردا دفالانها به چادر حمله میکنند ولی با مقاومت شدید مردم محل مواجه میشوند و علی رغم پرتاب کوکتل و آمدن پاسداران، در کار خود موفق

نمی شوند. فردای آن روز ساعت ۷ بعد از ظهر ۳۰ مردا درگیری با ردیگر آغاز شده این بار با لانژها با سنگ و چاقو حملات خود را آغاز میکنند و با زهم با مقاومت مردم روبرو میشوند. اما در حین درگیری سروکله پاسداران به نفع یاران مز دورشان پیدا میشود که با گاز اشک آور به سوی مردم هجوم می آورند. و فالیانها هم از فرصت استفاده کرده و چادر را با کوکتل مولوتف به آتش میکشند در این درگیری ۴۰ - ۳۰ نفر به شدت زخمی شدند. این درگیری تا ساعت ۱۱ شب طول کشید. در حین درگیری یکبار مجاهدین صف بستند تا نماز بخوانند ولی پاسداران به نماز آنها حمله کردند! فردای آن روز رادیو با جعل و تحریف واقعا

ت مردم را علیه نیروهای انقلابی تحریک و بسیج میکرد. روز ۳۱ مردا درآرامش درگیری ادامه یافت و پاسداران مجاهدین در محل چادر جمع شده و شعار میدادند "مرگ بر آمریکا، مرگ بر ارتجاع" "اسلام پیروز است، ارتجاع نابود است" بعد از مدتی نزد یک به ۵۰۰ نفر در مقابل ۲۰۰ حزب الهی و تعدادی پاسدار صف کشیدند و به نماز ایستادند، هنوز نماز تمام نشده بود که فالیانها به سوی آنها حمله کرده و پاسداران تیر هوایی خالی کردند. اما علی رغم این حملات نماز پایان یافت و بعد از نماز کوکتلی به میان مردم انداخته شده و درگیری آغاز شد. دیگر نیروهای انقلابی با شعار "مجا

اهد، مجاهد، درستگران تقی" حمایت میکنند"، "مرگ بر ارتجاع، مرگ بر آمریکا" به حمایت از مجاهدین برخاستند. کوجه های اطراف محل ارتجاع "مرگ بر پاسدار حاکم می میکند، پاسدار رحمانیت میکند"، "لبریز شده بود این تظاهرات تا ساعت ۱۱/۵ شب بطول انجامید و ۲۵ نفر زخمی، تعداد زیادی دستگیر و یکی از هوا داران مجاهدین به نام جاسم بنی ر- شید به وسیله سنگ و میله به شهادت رسید.

روزا شهریور مراسم تشییع جنازه شهید هوا دار مجاهدین جاسم بنی رشیدی از بیمارستان شماره ۲ شرکت نفت تا قبرستان شهرادامنه یافت و با آنکه کمترین کسی

● عدم استخدام معلم از دستاوردهای انقلاب فرهنگی رژیم! ●

کمتر کسی است که به نقش فعال و مهم میلیونها دانش آموز هزاران معلم در پیروزی قیام آگاهی نداشته باشد. دختران و پسران دانش آموز، پرشور و انقلابی، در تابستان روزمستان، در دوران حکومت نظامی و اوج خفقان به خیابانها میریختند و نظامیان را با همه تسلیحاتشان به ریشخند میگرفتند. هزاران معلم، از همان مهر سال ۵۷، با وجود همه فشارها، به تحریم کلاسها پرداختند و از حضور در کلاسها خودداری کردند.

اینک پس از نزدیک به ۲ سال که از قیام خونین خلق ما میگذرد، رژیم برای حفظ موقعیت خود، به یکی دیگر از سنگرهای مبارزه، یعنی مدارس هجوم آورده است. از آخرین اقدامات ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی برای تدارک اول مهر عدم استخدام معلم در آموزش و پرورش

است. در حالی که دانش آموزان ما، در دوران رژیم گذشته در پاره ای از دروس و درمنا طق متعددا ز داشتن معلم محروم بودند. با وجود موج اخراج، محمدجواد باهنر، این نماینده حزب جمهوری در آموزش و پرورش و همه کاره آن، میگوید "هیچگونه زمینه ای جهت استخدام در آموزش و پرورش وجود ندارد" (۳ شهریور روزنامه جمهوری اسلامی)

اینک که با اصطلاح انقلاب فرهنگی دامنه مدارس را نیز گرفته است، رژیم به تعطیل همه واحدهای تربیت معلم، حتی تربیت معلم فنی اقدام کرده و از آن طرف سپاه پاسداران را برای همکاری با آموزش و پرورش به یاری گرفته است. آنها در حالی که هزاران معلم مبارز را اخراج میکنند از عناصر ضد انقلابی و خشک مغزی که در واحدهای سپاه پاسداران به اقدامات ضد خلقی مشغولند برای آموزش

و پرورش دعوت بعمل می آورند. چند ماه قبل وقتی مسئله انقلاب فرهنگی در دانشگاهها طرح شد، ما هشدار داده بودیم که این اصطلاح انقلاب در آنجا متوقف نخواهد شد و دامنه وسیعتری بخود خواهد گرفت. زیرا خرده بورژوازی حاکم که اینک تمامی قدرت را میخواهد، تحمل وجود هیچگونه محیط مبارزاتی و انقلابی را در صحنه فعالیت های سیاسی واجتماعی ندارد و حتی مخالفین ضد انقلابی خود در حکومت را هم محدود و تصفیه میکند.

اما میلیونها خانواده ایرانی که فرزندان شان به مدارس میروند، همراه با دانش آموزان آگاه هرگز زیر بار این اقدامات قرون وسطایی و تفتیش عقایدی شرمانه نخواهند رفت و در مقابل این اعمال آزادی های سیاسی بدست آمده و از حقوق مسلم فردی واجتماعی خود، با قدرت تمام پاسداری خواهند کرد!

از اخراج دانش آموزان و معلمان مبارز جلوگیری کنیم!

بقیما ز صفحه ۵

کارخانه سیمان...

تا کارگاه و حمایت از کارگران سیمان ری اعلام میکنند. اما شورایی اینکار مخالفت میکنند و اعضای شورا خود آمده حرکت بسوی کارگاه سیمان ری میشوند. آنها ساعت ۴/۵ بعد از ظهر خود را به جمع کارگران میرسانند و پس از شنیدن واقعه تعهد میکنند که خواسته های کارگران را مبنی بر جلوگیری از اخراج کارگران اخراجی و نیز اخراج سرمهندس کارگاه، پیگیری کنند. آنها از کارگران میخواهند که فردا دوباره کار را آغاز کنند و منتظر اقدامات آنها باشند. جلسه با شورو هیجان تمام پایان میگردد و کارگران برای نابودی سرمایه داران صلوات میفرستند.

مبارزه ادامه دارد!

کارگران از فردای آروز کار را شروع میکنند و منتظر نتیجه میمانند. سرمهندس به کارخانه می آید ولی از دفترش خارج نمیشود. آخرین خبرها حاکی است که متن شکایات کارگران به "مقامات بالا" رسیده و شورا همچنین از مدیر عامل صنایع فلزی هم بخاطر حمایتش از سرمهندس کارگاه سیمان ری شکایت کرده است. ما موران حکومتی فعلا لال شده اند و کارگران متحدند و یکپارچه در انتظار ریسر میگردند.

بقیما ز صفحه ۱۲

حزب خلق توده...

خلق کرده هر چه بیشتر خود را منزوی و منفرد مینماید، میکوشد از سویی با نیروی چون حزب دموکرات که آشکارا با حزب بعث عراق رابطه دارد همکاری کرده و مقرر مشترک برپا میکند و از سویی دیگر کومه له و شیخ عزالدین حسینی را که در طی مبارزاتشان ثابت کرده اند که به هیچ نیرویی جز قدرت کارگران و زحمتکشان تکیه ندارند به همکاری و همدستی با رژیم فاشیستی بعث عراق متهم میکند. ابراستی که راه سقوط کامل به مراد برویونیسم شیب تند دارد که نجات از هر چه بیشتر فرو ریختن در آن به این سادگی ها میسر نیست!

در این بیانیه (همچون مقالات فعلی حزب توده) حتی کلمه ای دیده نمیشود که نشان دهد کودتا نتیجه مستقیم سیاستها و عملکردهای سازشکارانه آنست که با بورژوازی و عمال امپریالیسم از یکسو و مبارزه با طبقه کارگر و سرکشی و فریب دادن آنها از سوی دیگر بوده است. رویونیست های شیلی با وفاق مزورانه ای میکوشند تا مبارزات طبقاتی را در برده ای از ابهام بنوشانند و در این راه از پنتاکون، سیا، امپریالیسم و کلماتی از این دست کمک میگیرند. اما علیرغم ادعای آنها که گویا با حمایت "بورژوازی ملی" "دست اندر کار" "انقلاب امپریالیستی" بوده اند، تمام احزاب بورژوا، برخی بمنظور سقوط دولت "اتحاد ملی" و پاره ای بقصد محدود کردن برنامه آن، به مبارزه بر علیه "اتحاد ملی" برخاستند.

اینگ نیز تاریخ درمیهن ما می طپد و اردوی نابسمان کارگران و زحمتکشان را، خیل نامکوئی از حامیان بورژوازی، بالباس های اطمینان و بدلی محاصره کرده اند. کمونیست های اینبار نیز همچون تمام عرصه های نبرد، برای پیروزی کارگران و زحمتکشان از هیچ جانتشانی دریغ نخواهند کرد!

ملح شدن کارگران و زحمتکشان تنها راه مقابله با کودتا است!



گرامی باد خاطره مجاهد شهید مهدی رضائی

یاد مهدی رضایی، مجاهد خلق، انقلابی دلاور سالهای سیاه دیکتاتوری آریستوکراسی مهری، گرامی باد!

بقیما ز صفحه ۱۲

حمله به...

از مراسم خبر داشت ۵۰۰ - ۶۰۰ نفر در تشییع جنازه شرکت کردند. پس از خاک کردن شهید بار دیگر سروکله فالانزها پیدا شد که با بیشرمی شعار "مرگ بر منافقین" میدادند. در بین راه پاسباران یکی دیگر از هواداران مجاهدین را دستگیر کردند!

بقیما ز صفحه ۱

کودتای شیلی...

به وسیله ای برای انحراف مبارزه طبقاتی بدل کنند و ضمن طرح ادعای فریبکارانه اش درباره حمایت از مستضعفین در عمل به مصالحه با سرمایه داران و به سرکوب طبقه کارگر و زحمتکشان بپردازد. آنها در عمل با شورا های کارگری و هر نوع اقتدار کارگران و زحمتکشان فعلا لانه مخالفت میکنند و در عین حال شعارهای توخالی ضد سرمایه داری میدهند. آنها با ترساندن مردم از امپریالیسم فریبکارانه به نمایش ایجاد ارتش بیست میلیونی میپردازند، در خالیکه تمام کارگران و زحمتکشان، بی دفاع و بی سلاح از این همه سیاست بازی سرگشته و حیران مانده اند و در عین حال کارگران حکومت با اعلامیه های ریز و درشت مردم را به خلع سلاح تشویق و تهدید کرده و دارندگان اسلحه را به مرگ تهدید و محکوم میکنند. آری، آنها با پوشاندن این واقعیت که امپریالیسم همواره از طریق پایگاه داخلی خود، یعنی سرمایه داران و ارتش مزدوری که اطاعت کورکورانه در آن رایج است، دست به عمل خواهد زد، مردم را از مبارزه با سرمایه داری وابسته بر حذر میکنند و لافزنان دهم از مبارزه با امپریالیسم میزنند.

اینگ بحران روز به روز اوج بیشتری میگیرد. دو جناح حکومت از یکسو با یکدیگر و از سوی دیگر متحدان با توده ها در ستیزند و خطر زدن انقلاب مغلوب روز به روز بیشتر میشود. آنها کودتا را تقبیح

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم

آگاهی توده‌ها، نابودی ارتجاع!

دو هشتمین جلسه دادگاه

توضیحات مشروحی از کسانی چون، پرویز بکخواه، دکتر دانیانی، دکتر صادقی، قیچ، خانی و لوانی، کورش، لاشانی و جعفر کوش آبادی، هاشمی قزجانی، غلامحسین ساعدی، سیروس نهاوندی، سمین نهاوندی، بنائی و طیفور بطلحانی و فرهنگو علامزاده و گلبرخی و فیروز گوران و محمود دولت آبادی و لکسری

پیرامون محاكمه احمد رضا کریمی خائن



آتش به خیمه سرمایه!

از پینه دست کارگر کوره یزخانه
از کمردرد کشته رفیق سنگ تراش
از چین و چروک، از مرگ تدریجی
کارگر درون کوره
از مرگ فجیع رفقای کارگر در

از محرومیت و گرسنگی رفیق کارگر ۷ ساله
در کا رطافت فرسای کوره
از صفا و صمیمیت رفیق ۱۲ ساله
بهنگام "خام پخته زنی"
از پاک و بی حد رفیق ۹۰ ساله
بهنگام "سوخت کشی"

از جنایات بیشمار سرمایه
بر فراز اردوی کار
از سوسا لیزم
علم رهایی کار از یوغ سرمایه
آموختن
که بایدها می برداشت:

استوار

پولادین
آگاهانه

با قلبی آکنده از:

کینه و نفرت به سرمایه
و عشق به کارگر و حمتکش
آموختن که:
"بدون نابودی سرمایه داری و ابدیت خلق
آزاد نمیشود"
آموختن که:
"اتحاد پولادین کارگر و حمتکش
با بد نظرم سرمایه را درهم بکوبد"

آموختن که:
"با بدبختی های نفرت و خشم،
آتش به خیمه سرمایه انداخت"
آموختن که:
"با بدبختی ها نه براه کمونیسم گام نهاد"
براهی که میلیونها انسان شریف
در آن گام نهادده اند
براهی که مرتجعین سرمایه
مذبوحانه بر علیه آن لجن

مپراکشند!
براهی که نجات بشریت از یوغ استثمار
سرمایه را
برای همیشه به ارمغان می آورد.

رفیق "الف" از شهر
کرد

عمر رژیم جمهوری اسلامی و عمر دادگاه های انقلاب یکی است و از زمان استقرار رژیم جمهوری اسلامی دادگاه های انقلاب نیز برای مجسبات عوامل سرکوبگر و وابستگان رژیم سابق بوجود آمد. اما از آنجا که عملکرد دادگاه های انقلابی نمیتوانست جدا از ماهیت خود رژیم باشد، روز به روز بیشتر معلوم گشت که دادگاه های انقلاب نه در خدمت مردم بلکه در جهت خفه کردن مبارزات توده ها و اعدای مبارزان و انقلابیون کار میکنند اکنون که سرکوب مردم تنها شیوه حفظ حکومت و برقراری جمهوری اسلامی شده است این مسئله بیش از پیش آشکار میشود.

در میان تمامی اقدامات ضد انقلابی دادگاه های انقلاب اسلامی در جهت دستگیری کارگران مبارز، آزاد کردن ساواکیها و عوامل رژیم شاه، اعدای انقلابیون و کمونیست ها، انحلال شوراهای واقعی کارگران از قبیل شور-ای کارکنان شرکت نفت و... این رورها شاهد محاکمه احمد رضا کریمی این بن مزدور خائن و خود فروش هستیم. دادگاه رژیم جمهوری اسلامی که تابستان گذشته در عرض یک هفته ۴۰ نفر از بهترین فرزندان خلق را به جوخه اعدام خلخال جلا سپرد، دادگاه انقلاب اسلامی که عزیزان را به چرم بخش اعلامیه و فروش نشریات اعدام کرد، دادگاه انقلاب اسلامی که دانشجویان مبارز اهواز را بعد از چند روز دستگیری اعدام کرد و رفیق تقی شهرام را نیز غیا با به جوخه تیرباران سپرد، دادگاه های که محمدرضا سعادت را پس از یک سال سرگردانی هنوز بایگانی کرده است، اینک نزدیک به یک ماه است که محمدرضا کریمی را محاکمه میکند. کسی را که سالها در لودان کمونیست ها و انقلابیون و شکنجه و اعدام آنها دستیار ساواک بوده است، کسی را که بغلت استبداد و افش در شناخت افراد و حافظه خوب خود اطلاعات بسیاری در اختیار ساواک رژیم شاه قرار داده است، با رها به جلسه محاکمه و توبه حرفها و ادعایات او گوش فرامیدهد، چرا چنین است؟

ما در گذشته نیز شاهد بودیم که این دادگاهها مثال شهرایی ها و ارتشها را برای نمایشات تلویزیونی علیه انقلابیون و کمونیست ها به تلویزیون آورده بودند و اینک نیز در محاکمه محمدرضا کریمی به او اجازه میدهند که هر چه میتواند علیه نیروهای انقلابی و مخصوص مجاهدین سخن بگوید. رژیم جمهوری اسلامی، خائن گستاخ و جویش را وادار کرده است که درباره کسی چنین خبر و گسرخ با وهرایی کند. کریمی در دادگاه گسرخ را به همکاری با ساواک متهم کرده است. در حالی که میلیونها نفر از مردم ما، اگر شاهد کتبه های او نبوده اند، لاف او را گوشه ای از پندار و ادراک تلویزیون متوجه شده اند. ده و شصت و پایداری او و قدر زبانش در مردم شد که رژیم جمهوری اسلامی از نمایش دوباره آن در برابر زور و زورنشادش جلوگیری کرد. با وهرایی و گسختی خائنی چون محمدرضا کریمی، عدوه برای یک تداوم جنایات او را به خائنی ثابت میکند، برای سردمداران رژیم جمهوری اسلامی نیز نمیتواند اعدای ای بوجود آورده و نیز آتوده ها با شغیت های مبارزی نظیر گلبرخی بخوبی آشنا هستند.

احمد رضا کریمی، این مزدور ساواکی، اعدای ما به کرد!

اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۷۸

محل امتحان را عوض کردند و بسیاری از معلمان سرگردان از این محل به آن محل میرفتند. در حوزه امتحانی نیز پاسبانان، مردان و دختران زینب، زنان معلم را باز زنی بدنی میکردند. سئوالات طرح شده راجع به گروههای سیاسی کردستان و خودمختاری از یکسو و "بعثت پیغمبر"، "سوره" بقره چند جمله است؟" بود. بیشتر معلمان نتوانستند به سئوالات جواب دهند چون آمادگی چنین امتحانی را نداشتند.

کارگران شهرداری سنندج سه ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. روز ۷ شهریور در جلو استانداری تجمع کرده و خواهان حقوق عقب مانده خود شدند. فرماندار شهربه میان آنها آمده و سخنرانی کرده است و به آنها گفته: شما برای خدا و برای قرآن کار کرده اید، حالا کمی صبر کنید!!

بسیاری از معلمان دستگیر شده در شهر را به تهران، اصفهان و شیراز تبعید کرده اند و بسیاری به زندانهای طویل المدت محکوم شده اند.

روز ۷ شهریور رفیق دختری بمب به پای خود بسته و بدرون مقر سپاه پاسداران می رود ولی به علت نقایص فنی بمب زودتر و بنا کار عمل کرده و پیاپی رفیق قطع میشود. این چندمین بار است که دختران مبارز سنندجی دست به چنین کاری میزنند.

۵ شهریور پیشمرگان کو-

مهله به شهر حمله کرده و مقر جاشها را هدف گرفتند در این درگیری ۱۲ جاش و پاسدار کشته شدند. نبرد یک تا دو ساعت ادامه یافت. پاسدارها در شب جرات بیرون آمدن از مقر را ندارند.

مهاباد

۳ شهریور هلیکوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و اعلامیه پخش میکنند. در اعلامیه نوشته شده بود که اگر ۴ گروهگانی که در دست گروههای مسلح اسیر است آزاد نشود، ارتش به داخل شهر می آید. گروهگانی که در دست پیشمرگان حزب دموکرات بوده که آنها را آزاد نمی کنند.

فرمانده پادگان مهاباد از پادگان فرار کرده و به حزب دموکرات ملحق شده است. اکنون فرماندهی پادگان با سپاه پاسداران است.

شهر مهاباد روز پیاپی هدف خمپاره های ارتش و پاسداران رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته است. روز ۸ شهریور شلیک خمپاره و کالیبر ۱۵۰ ز ساعت ۱۲/۵ ظهر شروع و تا ساعت ۳ ادامه یافت. در جریان این حملات ۵ نفر از جمله یک پسر و دو نفر زنده به شهادت رسیدند. بعد از پایان حملات، رادیو مهاباد پشت سرهم پیام فرمانده ارامبنی بردرخواست از نیروهای سیاسی برای پایان دادن به درگیری میخواند! رادیو مهاباد پیشمرمانه میخواست و نمود کند که جنگ کارنیروهای سیاسی بوده

است! بعد از اعلام آتش بس از سوی ارتش هلیکوپترها درجا-لیکه لوله اسلحه شان را بیر-ون آورده بودند بر فراز شهر در ارتفاع خیلی کم پرواز کردند و ما نور میدادند.

بانه

● ۵۹/۵/۲۵ - در این روز سه تن از مردم بیدفاع بانه بجوخه آتش سیرده شده و اعدام گردیدند. این سه تن عبارتند از:

۱- استاد احمد فتحی ۵۵- له، معمار پیری که در رابطه با پسرانش دستگیر شده و در زندان قهرمانان در مقابل دژ خیمان مقاومت کرد، مرگ سرخ را پذیرفت ولی در برابر دشمن سر خم نکرد و با نشان رجا پا کش به تاربخ پیوست. یادش برای همیشه در دل های مبارزین و جوانان انقلابی و خلق رزمنده گرد زنده خواهد ماند.

۲- ملا ابراهیم حکمت پیرمرده ۸۰ ساله که در زندان حاضر به قبول همکاری با پاسداران نشد.

۳- محمد صادق صحرانورد کارمند بیمه رستان بجرم شرکت در جنبش مقاومت خلق کرد. این اعدامها موجی از خشم و نفرت در سراسر کردستان برانگیخته است.

سازمان ما برای متوقف ساختن ساطور قصابی این جلادان بنا بر وظیفه انقلابی دست بعمل متقابل خواهد زد.

در این رابطه به مقامات جمهوری اسلامی هشدار میدهم که در صورت ادامه این اعدامها بدون شک عده ای از مسئولین رژیم که در زندان کومه له هستند اعدام انقلابی خواهند شد.

کامیاران

● ۵۹/۵/۲۶ - ساعت ۷/۵ بعد

از ظهر این روز یک کامیون ارتشی با ساروجا شامل یک ریمون، یک مینیل سیمرغ و یک تیوتا در مسیر کامیاران - روانسروئزدیکی روستای الک به کمین پیشمرگان کومه له (پهل شهید حمید) و پیشمرگان دموکرات افتاده و محاصره شد. درگیری تا ساعت ۱۰/۵ شب با شدت تمام ادامه داشت و سرانجام نیروهای دشمن بکلی تارومار شدند. ۳۰ نفر از آنها کشته و عده زیادی زخمی گردیدند و مقدار زیادی اسلحه و مهمات سبک و سنگین و بیسیم بدست پیشمرگان افتاد. در ساعت ۱۰/۵ چهار فروند تانک و تعداد زیادی خودرو و یک محاصره شدگان آمدند. ستون کمکی نیز مورد حمله پیشمرگان قرار گرفت و یک فروند تانک منهدم گردید و ستون با دادن تلفات زیاد مجبور به عقب نشینی شد. در این جریان هیچگونه آسیبی به پیشمرگان وارد نشد. مدتها در روستای آلکه کون یک نفر بنام بانو "ثاینه مارآبی" مورد امانت گلوله کالیبر ۵ پاسداران قرار گرفت و به شهادت رسید.



نامه هایی که از سوی "کلا سیزها" از کردستان برای خانوادهاشان فرستاده میشود تمام باز شده و سانسور میشود. زمانی که یکی از پرسنل "کلا سیزها" دیدن خانوادهاش یکی دیگر از دوستانش رفته و برای آنان از اوضاع کردستان گفته بود، توسط ضد اطلاعات دستگیر و ۳ روز زندانی شد. بعد از این جریان بقیه پرسنل "کلا سیز" راجع به کردستان چیزی نمیگویند!*

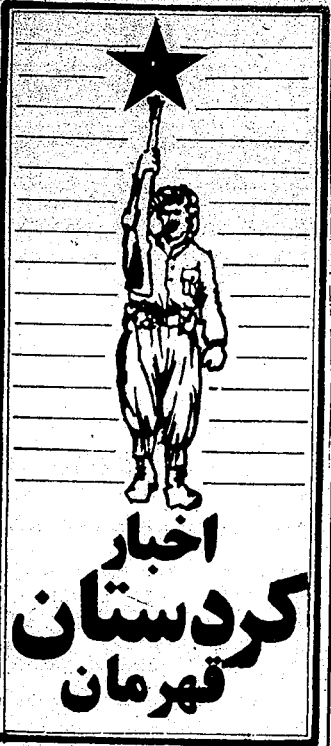
به نقل از

خبرنامه کومه شماره ۶۹

دانشجویان دختر مشهد از خوابگاه به زندان اوین!

۲۶ دانشجوی دختر از خوابگاه دانشجویی مشهد
اخراج و به زندان اوین منتقل شدند

منهج هم تار کلمات پاره شکایت دانش، بلند
چرخ خوابگاه به زندان اوین، دروغ جوش و خروش



اخبار
کردستان
قهرمان

بزرگداشت سالگرد شهادت
رفیق فواد در روستای آجیکند

فواد را با زگو کرد، سپس شما
بنده، زحمتکشان آجیکند سخن
گفت: "کاک فواد چون حقانیت
آرمان زحمتکشان و سرانجام
پیروزمندان آت را میدانست
راه آنان پیش گرفت و در این
راه به شهادت رسید."

پیشمرگان سازمان
رزمندگان آزادی طبقه، کارگر
نیز پیام خود گفتند: "جنبش
مقاومت و خواسته های خلق کرد
موردتائید ماست و ما در این
جنبش فعالانه شرکت میکنیم."
مراسم با پیام پیشمرگان و
حدت انقلابی برای آزادی طبقه
کارگرو سازمان انقلابی
زحمتکشان کردستان ایران و
درمیان سرودهای انقلابی
دسته گردان نش آه سوزان
آجیکند که در تمام طول مراسم
آن را همراهی میکردند، به
پایان رسید!

سندج

● در روز ۲۷ مرداد قرار بود
که آموزش و پرورش شهر از معلمان
امتحان بعمل آورد. در حین
تجمع معلمان، چند نفر از جنا
شهای مشهور حاج معمر غمیان
و... به محل آمده و چند نفر
از معلمان را به پاسداران
نشان میدهند که توسط پاسدا
ران دستگیر میشوند. در میان
دستگیرشدگان چند زن معلوم
نیز بوده اند.

● برای استخدام مجدد فر
هنگیان سندج از آنشان
امتحان مجدده عمل آوردند
تا انجام امتحانات نزدیک
به پنج بار در اخبار رادیو
بقیمه صفحه ۱۷

شب نهم شهریور زحمتکشان
روستای آجیکند و روستاهای
اطراف پس از فراغت از کار
طاق قفسای روزانه، خود
پای سپاده با هر وسیله ای
که به دستشان میرسید خود را
به مقر کومه در آجیکند میر
سازند تا با شهید قهرمان خلق
کرد رفیق فواد سازمانهای
سیاسی خود تجدید عهد کنند.
در ابتدای مراسم مسئول
مقر به روستائیان و سازمانهای
شرکت کننده خبر مقدم گفت و
مراسم با یک دقیقه سکوت
بخاطر شهادت کاک فواد آغاز
شد، دسته ای از دانش آموز
ان آجیکند سرود "قدرت خلق"
را خواندند و نماینده آنان
شرح کوتاهی از زندگی کاک

نحجوی خودداری کرده و مق
شورای خود را قبول دارند
رژیم که این روزها عمل
فاشیستی و غیر انسانی پلیس
جنایتکار را میزبان لیس آمریکا
را در مورد دانشجویان ایرانی
مورد نکوهش قرار میدهد در این
جای خوبی نشان داده است که
آن همه های یهوی و تبلیغات، نه
برای حفاظت از دانشجویان
ایرانی، نه
برای حفظ حقوق و شرف انسانی،
بلکه برای استفاده تبلیغاتی
و سرگرم کردن توده های بی
بوده است که از شدت مشکلات
به تنگ آمده اند، و دیگر کمتر
اعتمادی به حکومت جمهوری
اسلامی ندارند.

رژیمی که عمل ننگین
پلیس آمریکا را مورد نکوهش
قرار میدهد، خود، در ساعت ۱۲
شب به خوابگاه های حمله میکند
که دانشجویان نش گناهی جز "عدم
ارائه کارت دانشجویی و کارت
مخصوص خوابگاه" به عنا سر غیر
مسئول و توطئه گردانند.

رژیم از ترس اینکه میاد،
خوابگاه های دانشجویی به
مراکز فعالیت سیاسی تبدیل
شود و از ترس اینکه توده ها از ا
ین طریق به آگاهی بیشتری
دست یابند، یکسره به تعطیل
این خوابگاه ها و اساکلیه
مراکز آموزش عالی و نهادهای
وابسته به آن دست زده است.
با زنگ هدا شدن خوابگاه ها
از حقوق غیر قابل انکار
دانشجویان است و هما نظر که
نمی توان هیچکس را از محل زند
گی اش اخراج کرد و دانشجویان
نیز در محل زندگی خود با ید باقی
بمانند *

رژیم با همه است که دشمنی
آشکار خود را با مراکز آموزشی و
علمی، و هر کجا را که بشود به عنوان
ان سنگر آزادی، از آن به برای
آگاه کردن توده ها استفاده کرد،
نشان داده است. بستن دانشگاه
ها و بر آه انداختن موج
باصطلاح انقلاب فر
هنگی بر رهبری حزب جمهوری
اسلامی و گمانی چون "آیست"
این یا رگرما به و گستان بقایی،
از نمونه های این دشمنی بوده
است.

اخیراً نیز حمله به خوابگاه ها،
تحت فشار گذاشتن دانشجویان
و ادیت و آزار آنها در دستور کار
های رژیم قرار گرفته است. از
جمله در هفته گذشته با حکم داد
ستانی انقلاب، ۲۶ دختر دانشجوی
از خوابگاه خود واقع در مشهد
ساعت ۱۲ شب اخراج و به بازدا
شگاه شهرستانی و آزارتاج به زندان
اوین انتقال یافتند.
این دانشجویان مدت چند
هفته بود که با فشارها و مشکلات
زیادی روبرو بودند. از جمله
اینکه مقامات برای اخراج آنها
به بسیج اراذل و اوباش پرداخت
خته و حتی آب و برق خوابگاه را
قطع کردند و چون این آزارها
و ادیت ها شمری نبخشید، با
حکم دادستانی به اخراج آنها
پرداختند.

حتی الا سلام صالحی حاکم
شرع شرح میدهد که برای تخلیه
خوابگاه "از خواهان مبارز
بسیج ملی خراسان که داد و طلب
این کار بودند استفاده شده است"
زیرا این دانشجویان "در مقابل
نهاد های انقلابی و دسرا و داد
گاه های انقلابی موضع گرفته
و میگیرند و از اعلام هویت خود به
کسانی غیر از اعضای شورای دا

دانشگاه این سنگر آزادی
گشوده باید گردد!

اتحاد پولادین کارگران و زحمتکشان نظام پوسیده
سرمایه داری وابسته را درهم خواهد گویید!